

کلثوم ننه

بیژن اسدی پور



از
بیژن اسدی پور

منتشر می شود به

طنز خانگی

(طرح و نوشته های طنز آمیز)



آشادات مروارید

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۳۹۷/۱۱/۲۸۲۵

کلثوم ننه

بیژن اسدی پور



آقا جمال خوانساری
کلثوم ننه
 با طرح های بیژن اسدی پور



انتشارات فروارید

کلثوم ننه
 آقا جمال خوانساری
 با طرح های بیژن اسدی پور

روی جلد و مونتاز از حسن ماهراننقش
 چاپ اول تابستان ۲۵۳۵ در چاپخانه کتیبه
 ناشر انتشارات مروارید روبروی دانشگاه تهران
 حق چاپ محفوظ است.



ضمیمه برادران ایمانی پوشیده نمایند که این مختصری است در بیان اقوال و افعال و واجبات و منکرات و محرمات و مکروهات و مبایعات ایشان و این سلسله است بر مقدمه و شانزده باب و خاتمه بقایده النساء اما مقدمه در اسامی علماء و فضلاء و فقهاء و فضیلت آنها به آنکه افضل علمای زمانه بی بی شاه زینب دوم کلثوم نه نه سوم خانم آقا چهارم حاجی یاسمن پنجم دوده بزم آرا و پنجم آنچه از اقوال آنها بدست بیاید نهایت و ثوق دارد و محمل اعتماد است و بغیر از این چهار سیکاره نیز هستند که ذکر آنها موجب طول کلام میشود بد آنکه هر زنی که سنی داشته باشد و بر آن است او را دریافته باشد و بگرن با افعال او و ثوق تمام دارند هر زنی که خلاف فرموده ایشان کنه کار باشد باب اول در بیان عمل و دص و پنجم باب دوم در بیان نماز باب سوم در بیان روزه باب چهارم در بیان نکاح باب پنجم و ششم در بیان زانیدن و اعمال آن در بیان حمام رفتن باب هفتم در بیان زنا و افعال آن باب نهم در بیان فعلها و اوقاف باب دهم در بیان معاشرت با زنان باب یازدهم در بیان مطبوعات و خاتمه بندز باب دوازدهم در بیان توبید بجهت تخم زخم باب سیزدهم در بیان محرم و نامحرم باب چهاردهم در بیان اسباب دعا باب پانزدهم در بیان مهمان گزانه آن باب شانزدهم

تذکر و تشکر

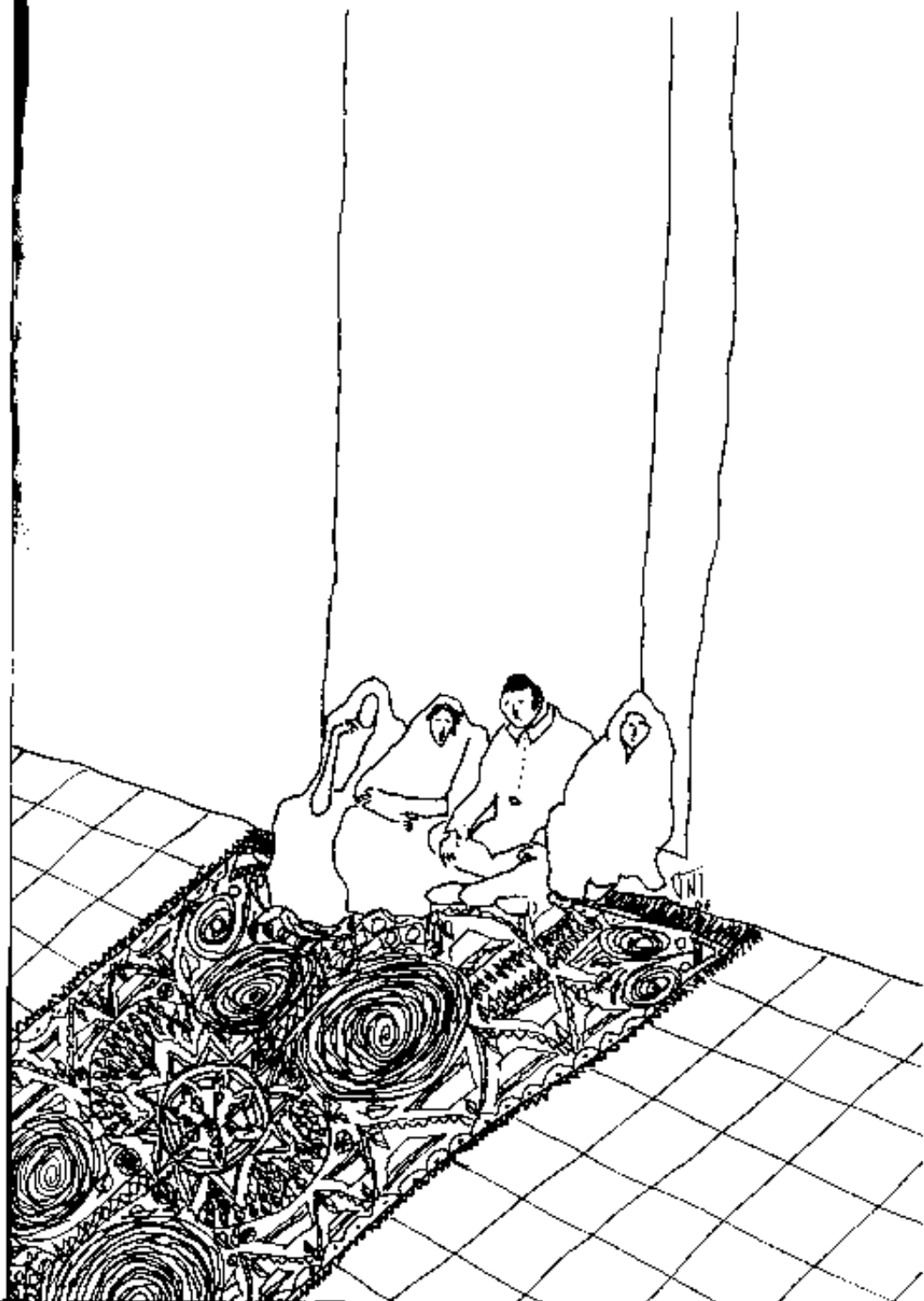
از میان متون موجود «کلثوم نه» به نظر من متن تصحیح شده محمود کتیرالی قابل اعتمادتر آمد. این را نوشتیم که عرض کنیم در تهیه متن حاضر هر جای اشکالی بود از متن ایشان مدد گرفتیم. و همه را برای این نوشتیم که بگوییم از محمد روشن که امکان استفاده از متن فوق را دادند سپاسگزارم. همینطور از اردشیر محصص که طرح های کتاب را انتخاب کردند.

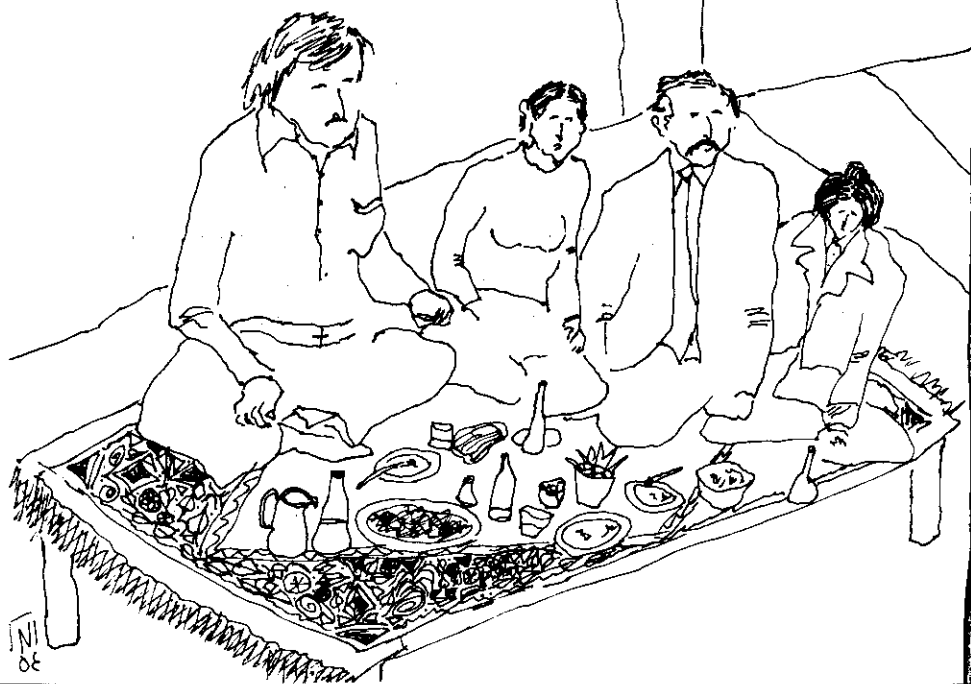


برای پدر و مادرم

نگاه صادق هدایت به کلثوم ننه

تنها کتابی که می‌شود گفت راجع به آداب و رسوم عوام نوشته شده همان کتاب معروف کلثوم ننه تألیف آقا جمال خوانساری است که به زبان‌های خارجه هم ترجمه شده و فارسی آن در دسترس همه می‌باشد. اگرچه بعضی از مطالب آن اغراق آمیز به نظر می‌آید زیرا نباید فراموش کرد که بیشتر این عادات و خرافات امروزه منسوخ شده و ازین رفته‌است و چیزی که قابل توجه است حتی بیرون‌ها هم آنرا با نظر تمسخر تلقی می‌کنند. خرافات هم مانند همه گونه عقاید و افکار زندگی بخصوص دارد.





گاهی بوجود می آید وجانشین خرافات دیگر می شود وزمانی هم ازین می رود. ترقی علوم، افکار و زمان به این کار خیلی کمک می نماید. بسا اتفاق می افتد که يك دسته از آن ها را ازین می برد در صورتی که يك دسته دیگر خیلی سخت تر جای آن ها می آورد. البته اگر آن ها را به حال خود بگذارند جنبه الوهیت خود را تا دیر زمانی نگه میدارند چون مردم عوام آن ها را مانند مکاشفات و وحی الهی دانسته به یکدیگر انتقال می دهند...

امروزه در همه ممالك متدین دسته ای از دانشمندان خرافات همه ملل دنیا را از ممالك متدین گرفته تا قبایل وحشی آفریقا و استرالیا جمع آوری کرده اند وتشکیل صدها کتاب را می دهد چنان که پس از مقایسه وتطبیق آن ها بایکدیگر



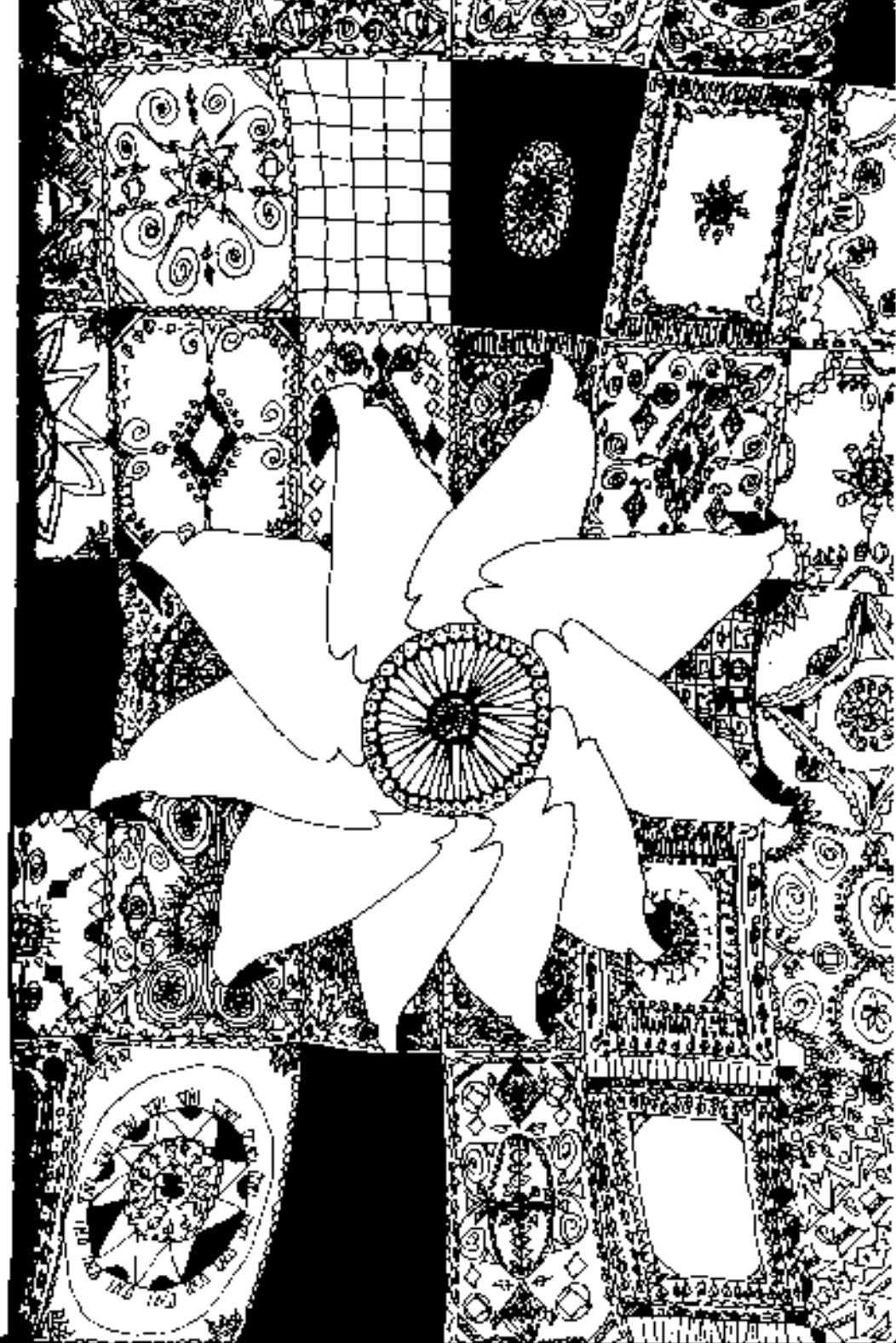
يك رشته علم تازه بوجود آمده كه دانش عوام يا «فلكلره» مي نامند كه در اغلب علوم مخصوصاً روانشناسي و تجزيه روح و تاريخ تمدن و تاريخ مذاهب وغيره خيلي طرف توجه علماء مي باشد ولي جاي تعجب است كه تاكنون آداب، رسوم و اعتقادات عوام ايران جداگانه جمع آوري نشده بوده استثنای مختصري در كلثوم ننه و آنچه در كتابها ديده مي شود عبارت از بعضي خرافات است كه مسافران اروپائي دروغ يا راست در كتابهاي خودشان ضبط کرده اند. به نقل از كتاب ليرتگستان

مراسمی که وحی شیطان است

کثوم نه کتابی است به لاری درهزل و موضوع آن مقابله اختلافات
 لغات و از جمله از رسوم و آداب اوپاش و زنان بحث می کند. مؤلف فرض
 کرده است که این مراسم و آداب وحی شیطان است. بعد نیست این کتاب
 هزل که تالیف آن را به آقا حسین خوانساری نسبت می دهند از لطایف طبع
 پسرش آقا جمال الدین باشد. آقا حسین از دانشمندان علوم دینی و ادبی بود
 و از جمله شاگردانش میرداماد است.

به نقل از فرهنگ معین جلد ۶

کثوم نه ۱۹



هَذَا كِتَابُ عَقَايِدِ النِّسَاءِ مِنْ تَالِيفَاتِ آفَاجِمَالِ خَوَانِسَارِي رَحِمَهُ اللَّهُ

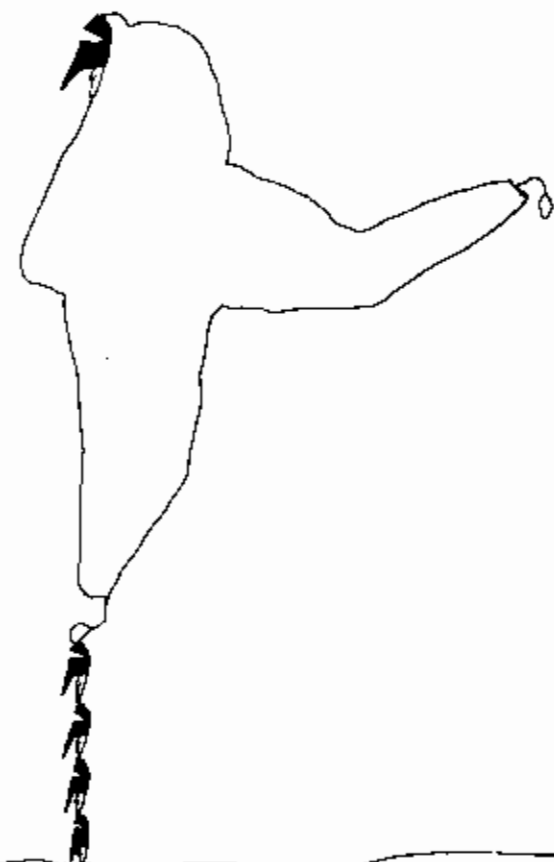
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر آینه ضمیر برادران ایمانی پوشیده نمائند که این مختصری
است در بیان اقوال و افعال و واجبات و مندوبات* زنان و
محرمات** و مکروهات*** و مباحات**** ایشان، و این مشتمل
است بر مقدمه و شانزده باب و خاتمه و مسمی به عقاید النساء.
اما مقدمه و اسامی علماء و فضلاء و فقها و فضیلت آنها - بدانکه

* مستحبات.

** چیزهای حرام.

*** جمع مکروه؛ و آن مقابل مستحب است. اگر انجام دادن امور
مستحب راجع است، ترک امور مکروه راجع است.
**** جمع مباح؛ امری که فعل و ترک آن متساوی باشد.



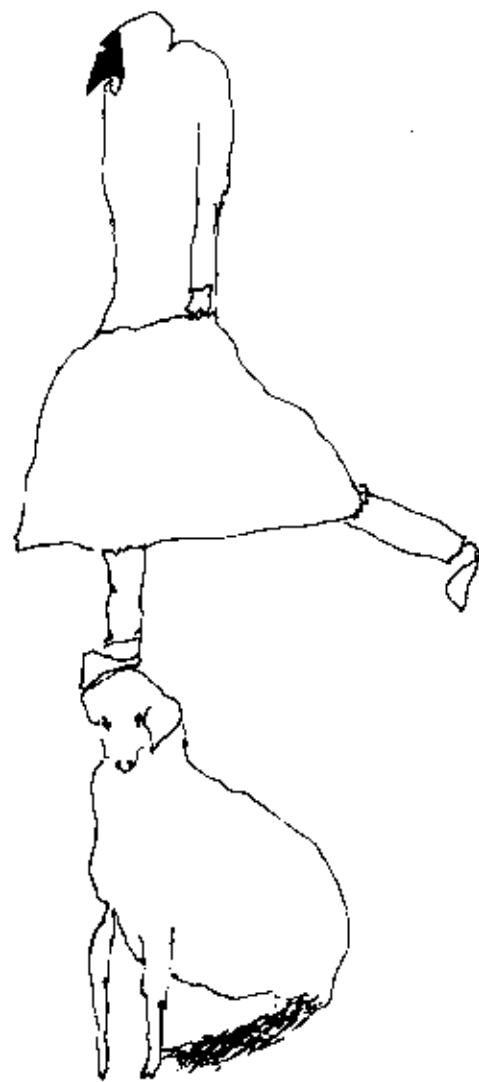
افضل علمای زنان پنج نفرند: اول بی بی شاه زینب، دوم کلثوم ننه، سوم خاتمه جان آقا، چهارم حاجی یاسمن، پنجم دده یوم آرا. و آنچه از اقوال آنها بدست پیاید، نهایت وثوق دارد و محل اعتماد است، و بغیر از این پنج نفر علمای بسیاری نیز هستند که ذکر آنها موجب طول کلام میشود. بدانکه هر زنی که سنی داشته باشد و پیری و خرافات او را دریافته باشد، دیگران به افعال او و شوق تمام دارند و هر زنی که خلاف فرموده ایشان کند آثم و گناهکار باشد.

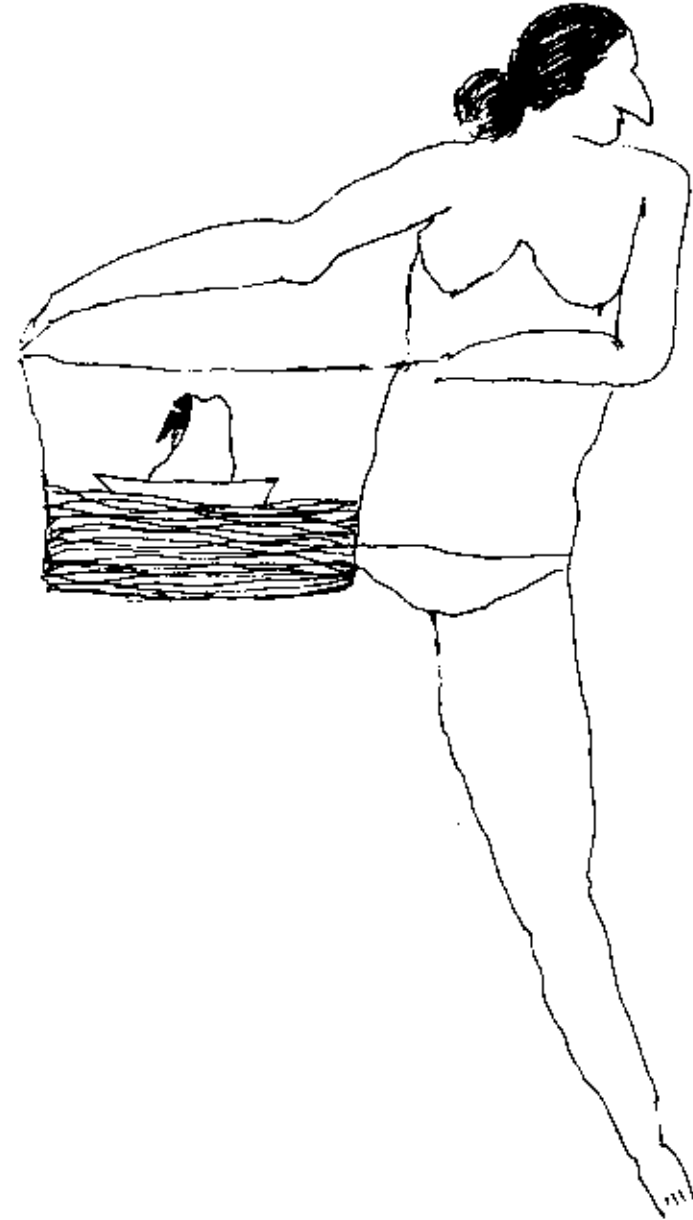
باب اول در بیان غسل و وضو و تیمم - باب دوم در بیان نماز - باب سوم در بیان روزه - باب چهارم در بیان نکاح - باب پنجم در بیان احکام شب زفاف - باب ششم در بیان احکام و اعمال زانیدن زنان و



ادعیه وارده درباره زائو - باب هفتم در بیان حمام رفتن - باب
 هشتم در بیان سازها و افعال آنها - باب نهم در بیان معاشرت
 زنان باشوهران خود - باب دهم در بیان مطبوخاتی که به نذر واجب
 می شود - باب یازدهم در بیان تعویذ* به جهت چشم زخم - باب
 دوازدهم در بیان محرم و نامحرم - باب سیزدهم در بیان استنجابت
 دعا - باب چهاردهم در بیان آمدن مهمان - باب پانزدهم در بیان
 صیغه خواهرخواندگی - باب شانزدهم در بیان چیزهایی که بعد از
 خواهرخواندگی برای یکدیگر می فرستند - خاتمه در بیان ادعیه و
 اذکار متفرقه و آداب کثیر المنفعه .

* دعایی که نوشته به گردن یا بازو بندند تا دفع چشم زخم و بلاقند.





باب اول

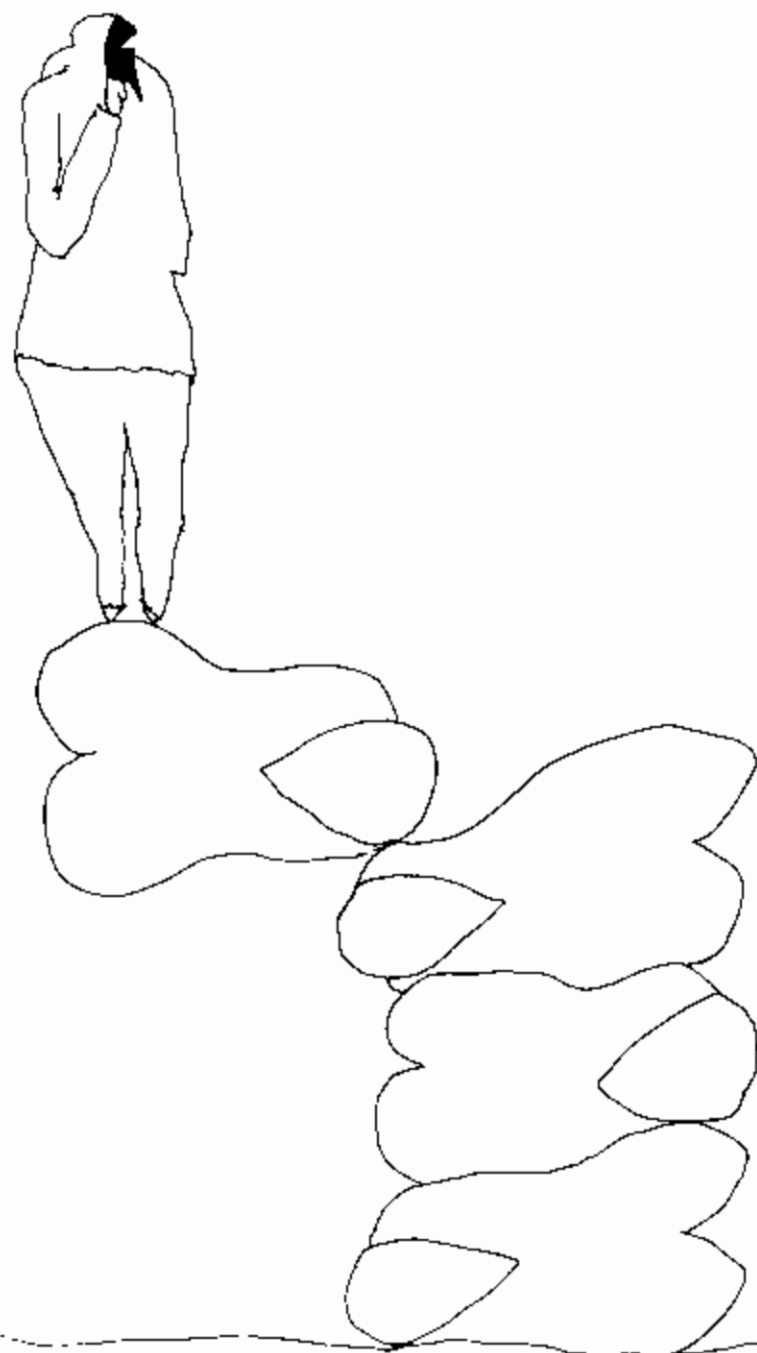
در بیان وضو و غسل و تیمم

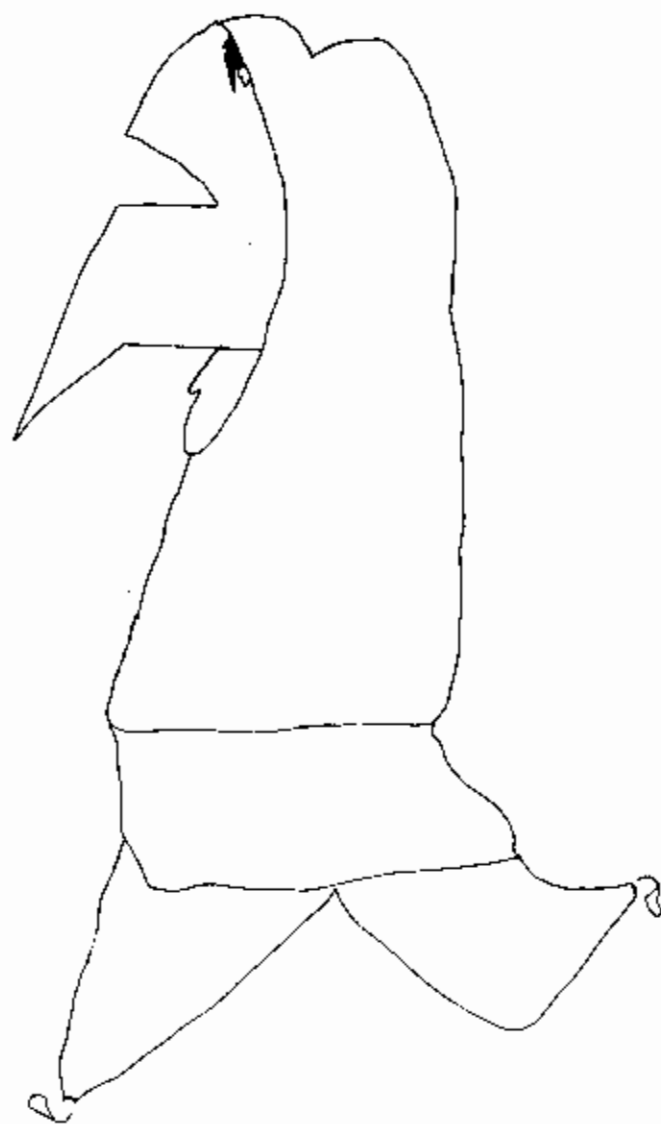
بدان که اجماع فتوای زنان است که وضو و غسل واجب است
مگر در چند موضع : وقتی که دست راحنا و نگار* بسته باشند یا
ابرو گذاشته باشند یا زرك** بر ابرو چسبانیده باشند؛ در این صورت
ترك وضو و غسل واجب می شود و اکثر علماء مذکور نگار را
تا سه روز ماقط می دانند و می گویند بی بی شاه زینب تا پنج روز

* نقشی که از حنا بر دست و پای محبوب کنند .
** یکی از هفت آرایه زنان قدیم. میرزا صادق خان امیری فراهانی
(ادیب الممالك) هر هفت را در این دو بیت گرد آورده است :
هفت پیرایه شد به روی پشان که از آن باغ حسن سیراب است
وسه و سمره و نگار و غبطک زرك و غازه و سفید آب است.

با شش روز وضو را ساقط می‌داند، و همچنان قبل از بستن نگار
 نامقت روز وضو بسازند، حرام است و بعضی هم مکروه دانسته‌اند.
 اما غسل، هرگاه زنی جاریه* در خانه داشته باشد و کسی
 از خویشان زن هم حاضر نباشد که از شوهر او مخبر باشد و زن
 شوهر را امین نداند که مبادا به حمام رود شوهرش با جاریه مقاربت
 نماید در این صورت ترك غسل کند تا مانع رفع شود. كلثوم نه تا
 يك هفته را جایز دانسته و برخی بیشتر و بعضی کمتر گفته‌اند، و باجی
 یاسمن تا يك ماه هم اجازه داده ولی با او در این قول کسی موافقت
 ننموده و قول اول به احتیاط اقرب است. و دیگر هرگاه لنگ
 زن پاره یا کهنه باشد و شوهرش وعده کرده بگیرد، مادامی که
 نگرفته است غسل ساقط می‌باشد و این قول اجماعی است. اما

* کنیزك.

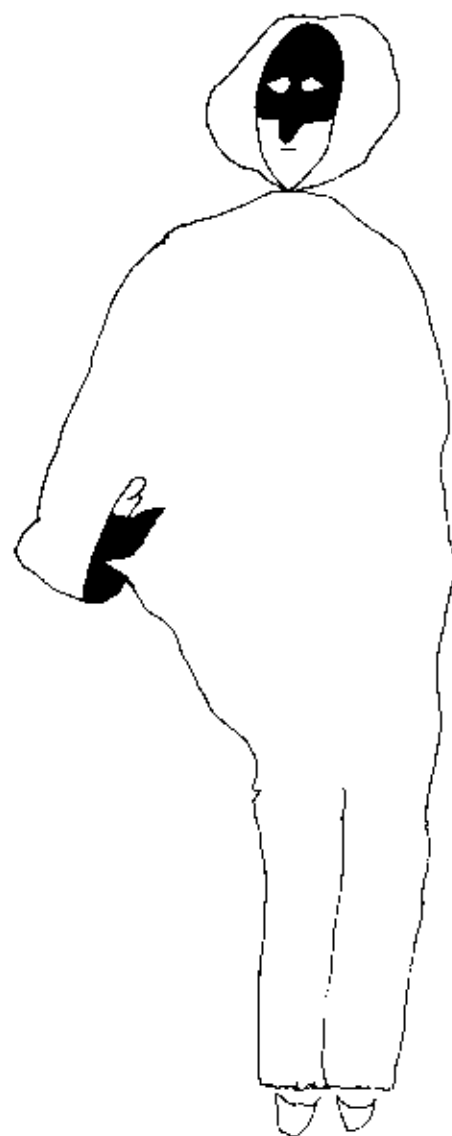




خاله جان آقاودده بزم آرا گفته اند که اگر زن برادر شوهرش که او را جاری گویند ، لنگ نو داشته باشد و شوهر برای او نگیرد مادامی که شوهرش لنگ نگرفته باشد غسل از او ساقط است و هرگاه غسل کند فعل حرامی کرده باشد ؛ و برخی مکروه دانسته اند . و دیگر هرگاه مرد اجرت حمام زن را ندهد و بیرون رود ، غسل از آن زن ساقط است هر چند مدت بگذرد ؛ و جمعی تا سه روز فائل شده اند و دده بزم آرا گفته که اگر زن اطمینان دارد که بعد شوهر اجرت را خواهد داد جایز است از خود بدهد و غسل کند بعد از شوهر بگیرد . کسی در این قول با او موافقت ننموده و این قول خالی از اشکال نیست .

در بیان اوقاتی که نماز ساقط و ترك آن واجب است

اول در شب های عروسی. دوم در حضور ساز زن و نقاره چی.
سوم وقتی که زن خویشان خود را در حمام ببیند لازم است که ترك نماز
کند و حالات شوهر را به خویشان گوید. چهارم روزی که به
موعظه شبیدن رفته باشد. پنجم روزی که جامه نو پوشیده باشد و
نرسد که خرد و ضایع شود، در این صورت خاله جان آقا ترددی
دارد و گفته که ترك نماز مستحب است نه واجب و این قول خالی
از قوه نیست. ششم روزی که زن، زینت عید کرده باشد؛ یا به
عروسی رفته یا زنی که شوهرش در سفر مانده باشد. و این قول
اجماعی است و در چند جای دیگر هم وجوب ترك نماز را نوشته اند
که چون سندش ضعیف بود و اختلاف داشت ایراد نشد.



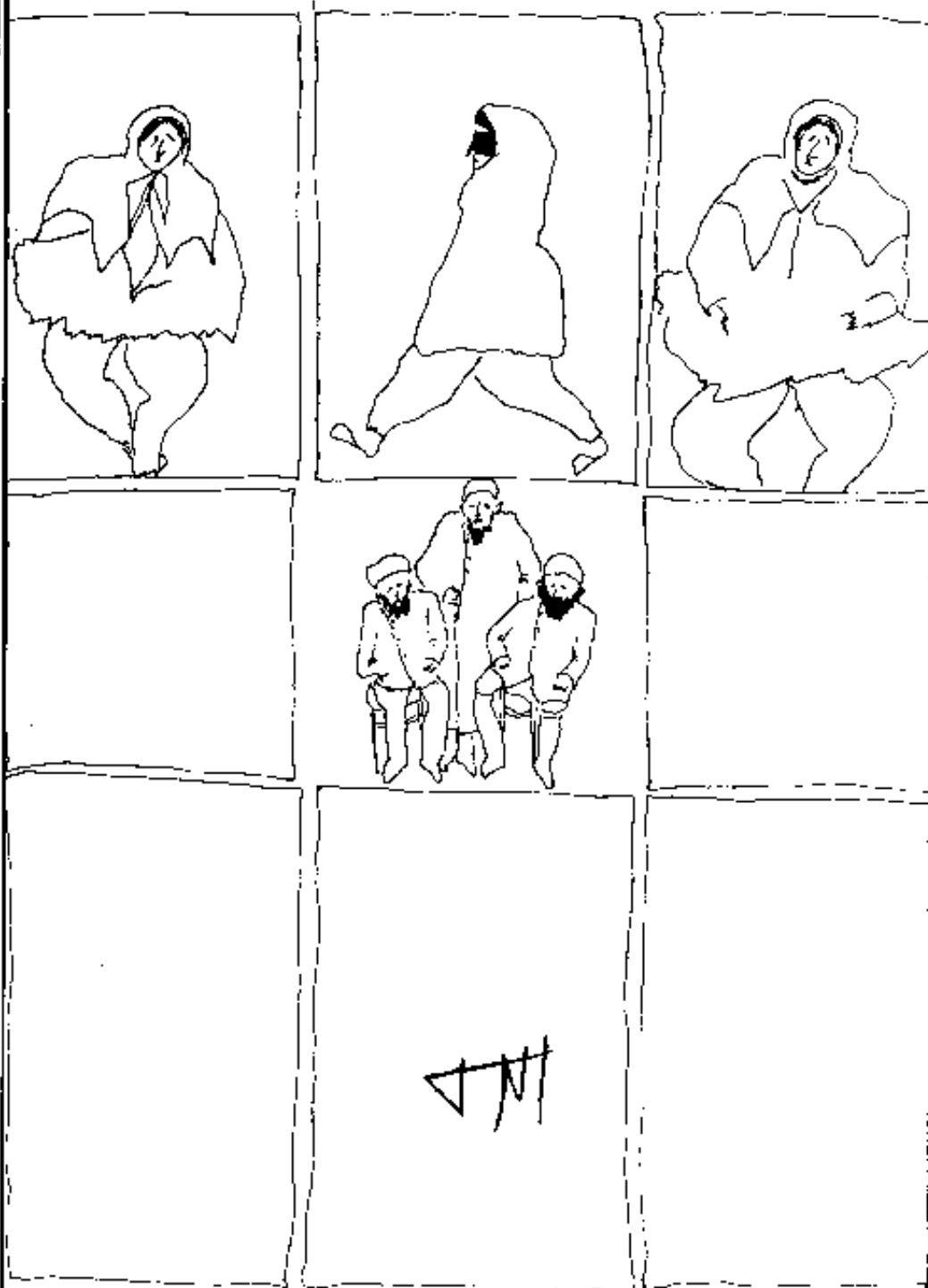
در بیان روزه

بدان که زنان را چندین روزه می‌باشد که به آن روزه به
مطلب خود می‌رسند.

اول روزه مرتضی‌علی، و آداب آن این است که باید حرف
نزند و از جهت افطار به خانه‌ها رفته گدایی کند. به این نحو که به
در خانه‌ها قاشق بزند و باده‌ست در نکوبد و از وجه گدایی برنج و
ماسه و خرما بخرد، و در وقت عصر پابرهنه از همان اجناس
گدایی چلوئی طبخ کرده و شب به آن‌ها افطار کند. کلثوم تنه و
باجی یاسمن را اعتقاد آن است که قاشق را به غریال بزند و این
احوط* می‌باشد؛ و دده بزم آرا گفته اولی آن است که روزه را

* به احتیاط نزدیکتر.





روز دوشنبه بگیرد و این قول اقوی است .

دوم روزه هفدهم ماه رجب ، و آن تا ظهر است و ظهر باید
افطار به قند و کنجد کند . و بی بی شاه زینب گفته که کنجد و قند
از پول گدایی گرفته شود .

سوم ایضاً روزه مرنضی علی است ، و آداب آن این است
که از هفت خانه آب چاه بیاورد و با آن آب افطار کند و دو رکعت
نماز نیز بگذارد . و بی بی شاه زینب گفته که باید از وجه گدایی يك



شمع و يك كوزه بگيرد، و كلثوم نه شمع را مستحب می داند و این مسئله در وجوب و استحباب اختلافی دارد، و خاله جان آقا گفته که این روزه را دختر نذر کند و بگیرد که به شوهر برود، و بر سر او زن دیگر - که به اصطلاح هوو گویند - نکند و حاجت او برآورده شود. و بی بی شاه زینب و دده بزم آرا و كلثوم نه گفته اند که از جهت گشادن بخت دختران و زود به شوهر رفتن ایشان به منار مشهور کون برنجی رفته بگویند:

ای منار کون برنجی حرفیت می زلم زمن نرنجی
میون من دسته می خواد مرد کمر بسته می خواد
بعضی بر آنند که باید گردکانی را روی پله گذارد و با مقعد خود بشکند و كلثوم نه می گوید که باید با طرف راست مقعد بشکند و ایضاً كلثوم نه گفته اگر دختر سرین* برگوشت داشته باشد و نتواند گردکان را بشکند، باید نخه بر روی گردکان گذارد و مقعد خود را بر نخه زند که به استمانت نخه گردکان را بشکند و این خالی از قوه نیست.

• کلل •

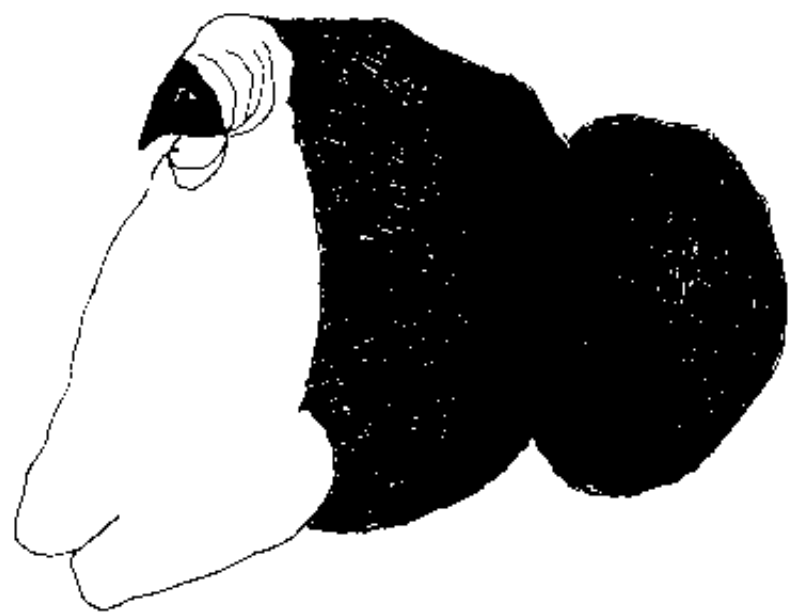
در بیان نکاح

واجب است تمام بندها را بگشاید حتی بنده زیرجامه، و طشتی
سرنگون گذارده در زیر آن چراغی بسوزاند از روغن طعام؛ و
دختر بر روی زین بنشیند، و باجی یا سمن گفته هرگاه زین یافت
نشود بالشی گذارد و روی آن نشیند و قدری نبات بر بندازد خود
گذارد؛ و بی بی شاه زینب آن را واجب و دیگران مستحب می دانند؛
و کلثوم نه گفته که هل نیز در میان دست خود بگیرد و خاله جان
آقا گفته که آن نباتی که بر بندازد گذاشته در وقت بیرون آوردن
به دست خود به دهن داماد گذارد که در نظر داماد بسیار شیرین
می نماید و این قول خالی از قوه نیست.

و دیگر چادری که داماد آورده در وقت عقد باید بر سر هروس



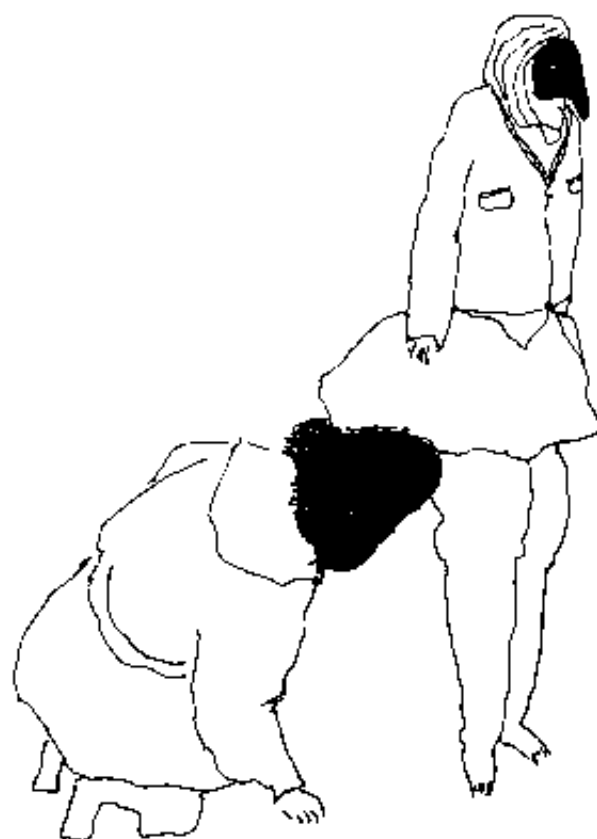
انداخت. و جمیع علماء اتفاق دارند که هیچك از لباس های عروس
 نباید گره داشته باشد زیرا که گره به کارش می افتد ؛ و دده بزم آرا
 گفته که عروس در وقت عقد بر آینه نظر کند ؛ و خاله جان آقا
 گفته که در وقت عقد مستحب است که تخم مرغ ، عروس به دست
 خود بگیرد ، در وقت برخاستن رو به قبله آن تخم رایه دیوار زند ؛ و
 کلثوم تنه این را اسراف می داند و خاله جان آقا ذکر کرده که هر
 دختری که خواهد بختش باز شود ، ابریشم سبزی به سوزن کشیده و
 در وقت عقد بستن عروس ؛ آن سوزن را فرو کند در چادر عروس
 و بعد بردارد و بر سر خود زند که مجرب است.

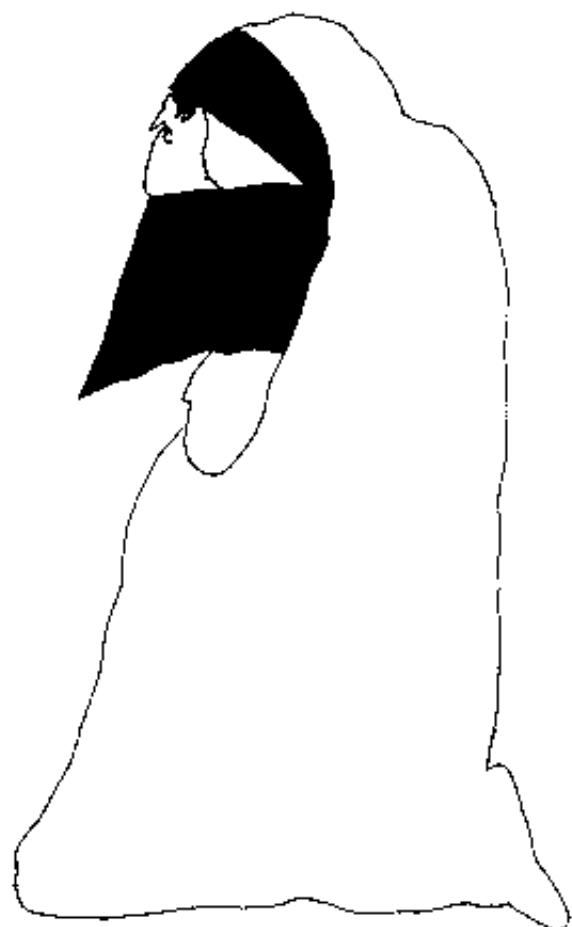


و دیگر ، دختران مادامی که به شوهر نرفته باشند نوره * کشیدن مکروه است ؛ و باجی یاسن گفته که دختر باید ازاله مو را به بند انداختن بکند ؛ و دده بزم آرا به سوزانیدن خائل است . و بی بی شاه زینب گفته که زائل کردن مو مکروه است ؛ قبل از شوهر کردن هر چند صد ساله باشد و مویش يك چارك باشد اما کسی با او موافقت ننموده .

و دیگر از مسائل مهمه عروسی آن است که در موقع حمام بردن عروس را لغفه ** بمالند که بدن و فرجش نرم و نازك باشد که مناسب این مقام شاعر گفته :

• واجبی کشیدن .
 •• یا لغفه ؛ ترکیبی است از عطریات مختلف مانند مشک و عنبر و کافور و نظایر آن .

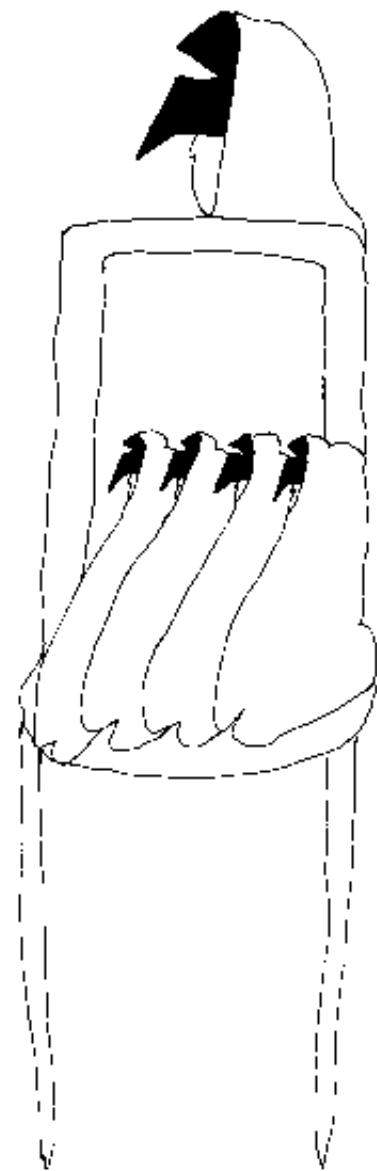




ز ضرب لغافه از بسکه بد صاف
ز سینه بوسه می غلطید تا ناف
اجزای لغافه از این قرارند : کتیرای سفیدی و گل خطمی و
عرق بنفشه و عنبر . باجی یاسمن گفته که داخل کردن مشک واجب
است ؛ و بعضی مستحب می دانند ؛ و بعضی مکروه می دانند.
و دیگر ، بند انداختن دختران را و گریستن ایشان را ، کلثوم
نه مستحب می داند ؛ و بعضی مکروه می دانند ؛ و بعضی واجب ، و

این قول اقوی است. و اعتقاد اکثر علماءست که دختران در موقعی که خانه هستند در باب شوهر کردن خود باید دعا کنند حاجتشان برآورده می شود، و در وقت آمدن دلالت* زیست کردن و در پشت کار نشستن که بند** خود را بر دلالت ظاهر سازند، واجب است؛ و بی بی شاه زیب پشت کار نشستن را مستحب دانسته و این قول به احتیاط اقرب است.

* زنی که برای دختران ترشیده و زنان بیوه شوهر، و برای مردان زن پیدا کند.
 ** هنر و فن که اکنون فندگویند.



در بیان احکام شب زفاف

بدان که گریستن عروس و مادرش در شب عروسی واجب است ، و داماد هم به تمامی زن هائی که در آن خانه هستند مجرم است . و دده بزم آرا گفته داماد با هر زنی ملاعبت و دستبازی^۱ کند می تواند کرد ؛ و باجی یا مومن و یا سایر علماء آمدن مادر عروس را به خانه داماد در شب عروسی فعل حرام می دانند و واجب است که عروس و داماد در شب زفاف پای راست را بر پشت پای یکدیگر گذارند و هر يك بیشتر گذارد ، از دیگری ساقط می شود ؛ و کلثوم نه گفته که اگر شوهر مقدم دارد ، بر عروس غائب آید ، اگر عروس مقدم دارد ، بر شوهر غائب آید . این امر تجربه شده است و اگر کسی عمدتاً ترك کند

۱ ملاعبت ، شوخی کردن مرد و زن .

تركبكی از فرائض کرده باشد و آثم است و اگر سهوا فراموش کرده باشد، قضا کنند هر چند مدتی گذشته باشد.

و دیگر واجب است که در موقع آوردن عروس، شمع عروسی در جلو روی عروس باشد و بیش از يك ذرع و يك چارك فاصله نباشد. و خاله جان آقا تاسه ذرع تجویز کرده. و نقاره و سرنا و کسانی را که از عقب عروس می آیند، بی بی شاه زینب و خاله جان آقا و کثوم ننه واجب می دانند. و اهل خانه عروس را با داماد باید شربت بدهند. و کثوم ننه واجب می داند. بناجی یا سمن گفته که عروس را در خانه خودش مادر یا خواهر یا دلاله تعلیم کند که با شوهر حرف نزنند و چیزی نخورد تا شوهر چند چیز به او ببخشد



و یا به گردن گیرد ، و این را به اصطلاح دندان گلی * گویند ، و هیچ يك از علماء در این باب اختلاف نکرده اند .

و هرگاه شب زفاف باران آید ، باجی یاسمن را اعتقاد آنست که عروس ته دیگ خورده است .

و دیگر نبات به دهن یکدیگر ریختن عروس و داماد را واجب است و از شیرینکاری هاست . و در آینه نظر کردن بر هر دو واجب است . و بی بی شاد زینب گفته که نقل بر سر آنها ریختن از واجبات است و نیز واجب است که آن زنانی که حاضرند نقل را از سر آنان بر بایند و این را به اصطلاح گشایش گویند و خاله جان آقا گفته که اگر نقل بر سر مندیل ** داماد مانده باشد هر که آن را بردارد و به جهت مطنبی بخورد البته مرادش بر آورده شود ، و دایره زدن

• رونمای داماد به عروس در شب زفاف .
• عمامه ، دستار .

واجب است و خواندن زنان به صدای بلند که :

بادا بادا ، خانوم مبارک بادا

امشب چه شب است ؟ شب وصال است امشب

این خانه پر از شمع و چراغست امشب

آقا مبارک بادا ، خانم مبارک بادا ، جانم مبارک بادا ... *

تا آخر اجماعی علماست و این تصنیف واجب است خواندن .

دیگر رختخواب داماد و عروس را نباید زنی بیندازد که

نیکبخت باشد یعنی هوو نداشته باشد و دوشوهر نکرده باشد و شوهر

دوست باشد . و نیز واجب است همه زن های حاضر در پشت در

• در نسخه چاپ مشهد چنین آمده است .
بادا بادا بادا خانم مبارک باد
امشب چه شب است شب وصال است
این خانه پر از چراغ و لاله است .

و پنجره های اطاق عروس و داماد بنشینند و حرکات و اقوال
آن ها را ببینند و بشنوند ، و بعد از آن در وقت نماز، نماز را ترك
نمایند و آنچه را دیده و شنیده اند به یکدیگر بگویند و بشنوند و
بختند که ثواب بسیار دارد .

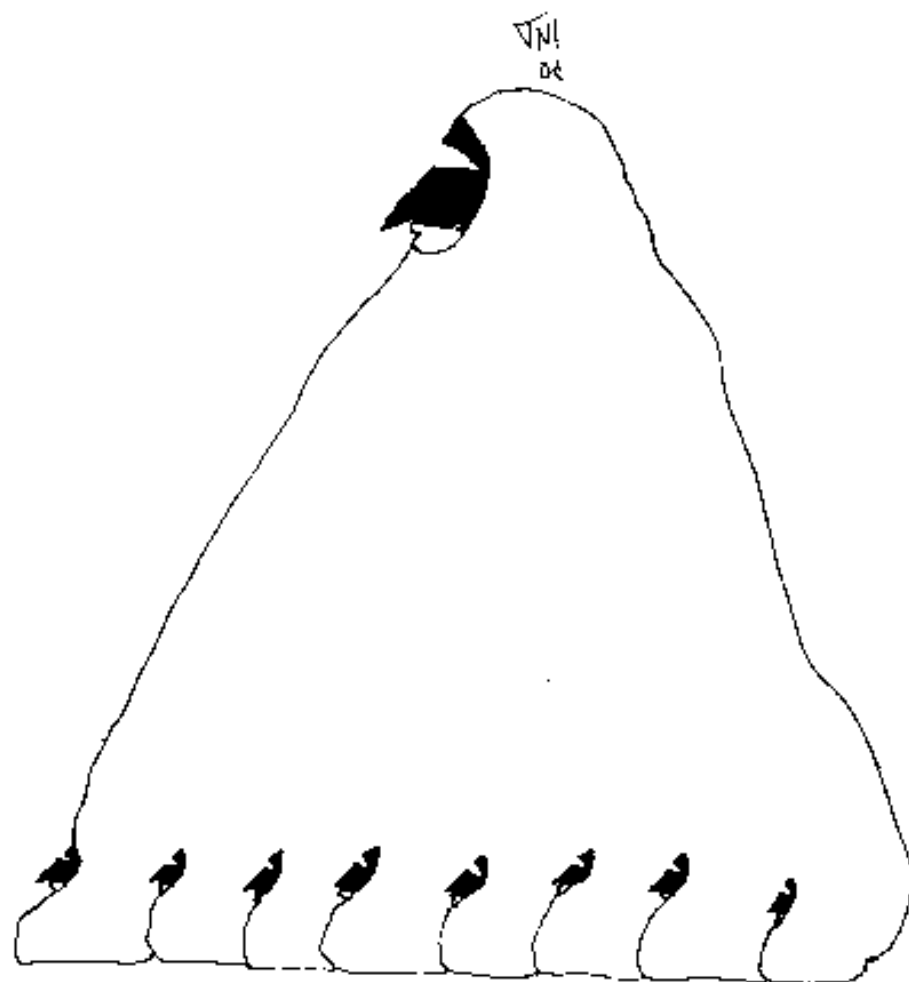
و نیز واجب است عروس را به مجلس در آورند و دایره زنند
و رقص کنند و همان ابیات را بخوانند ، و اگر در شب مقاربت واقع
شده باشد عروس باکره باشد ، خونی که از بکارت او آمده ، که زنان
آن را در عرف نشان گویند ، به سینی گذارند و به نظر حاضرین رسانند تا
عروس و منسوبانش سرخ روشند و الا از لثه حیض کمتر شوند . و خاله
جان آقا گفته که بهتر آنست که آن سینی از نقره باشد و کلثوم ننه گفته
که اگر مقدور باشد از طلا بهتر است ؛ و دیگر واجب است که در آن
روز هل و گلاب به عروس دهند که اول پسرزاید و این قول قوتی دارد .



در بیان احکام و اعمال زائیدن زنان و ادعیه* وارده در باره زائو

بدان که وقتی زن را درد گیرد و دیرزاید و دیر فرزند از او
متولد شود طریقهٔ معالجه آن است که ماما خطاب کند به طفل و
اشاره به فرج زائو کند و بگوید: رخت برای تو دوخته‌اند و آب
به جهت شستن تو گرم کرده‌اند، چیزی باقی نداری زود بیرون بیا؛
و این مجرب است. و وقتی که وضع حمل شود زائو را به رخت خواب
بخوابانند و طفل را نزد او بر زمین بگذارند و تا شش روز زائو
را سفید آب به روی بمالند و میل** کنند و خال برابر و گذارند و

* جمع دعا .
** آتش چوبی یا فلزی که بوسیلهٔ آن سرمه و توتیا به چشم کشند؛ چوب
سرمه کش .





باید رختخواب زانو سرخ نباشد زیرا که آل ضرر می رساند و برای
دفع ضرر آل، ماما باید شمشیر برهنه در دست گرفته چهار طرف اطاق
را با سر شمشیر خط بکشد و در وقت خط کشیدن بگوید:

خخش می کشم ، خخش می کشم

خخش های خخش خخش می کشم

و به زانو در رختخواب بگوید دورت را خخش کشیدم و باید
البته خخش بگوید نه خط زیرا که آل ضرر می رساند . و دده بزم آرا
گفته که شمشیر برهنه را بالای سر زانو بگذارند تا روز حمام رفتن ،
و این مجرب است به جهت دفع آل .

و در باب ترکیب آل علماء به اتفاق معتقدند که او بشکل زنی
است ضعیف اندام و ضعیف صورت ، و موی سرخ دراز دارد و

بینی او از گل است چنانکه کلثوم نه در وصف او گفته:

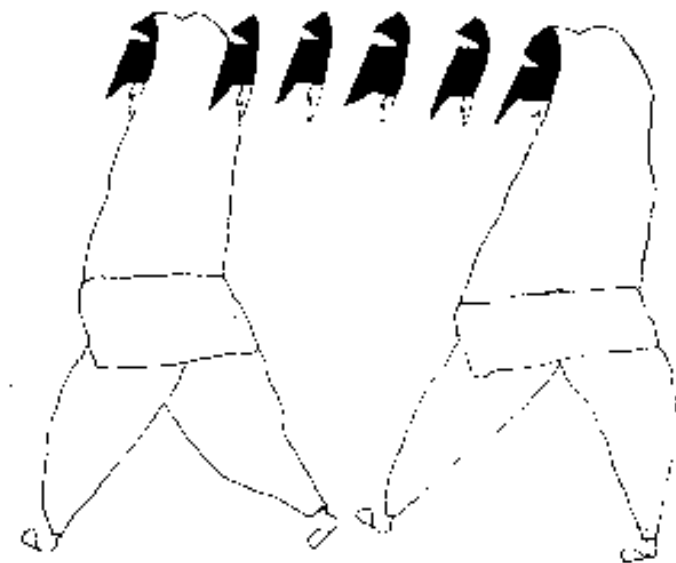
آل بشناختن بود مشکل

گیس او سرخ و بینی اش از گل

جگر بینی بگیر بینی او

تساز زانو جگر نلزد و دل

از آن جا که این ملعون می آید و جگر زانو را می دزد
و از آب می گذراند، اکثر علماء گفته اند مادامی که از آب نگذشته
باشد علاج آن ممکن است و این قسم می توان کرد که اسبی بیاورند و
دردامن زانو جو ریخته، اسب بخورد. و اگر به آب رسانیده باشد
دیگر علاج پذیر نیست و طفل شش شب باید روی زمین بخوابد و
مادرش شب هفتم باید او را به گهواره گذارد و آن شب را شب
غیر گویند، و باید شیرینی و خشکبار حاضر کنند و ماما دست بچه
را بادستمال بر پشت سرش بزند و اشیاء مذکوره را که به اصطلاح



توشه گویند به بچه بخوراند و این عبارت را به حضار بگوید:

بگیر بچه را!

و یکی بچه را از دست ماما گرفته به دیگری گوید:

بچه را بستان!

بعد از آن بگوید: خدا نگاه دارد و بچه را بگیرد، و به قول

دده بزم آرا هر يك از زنان حاضر باید چیزی به ماما بدهند و لویك

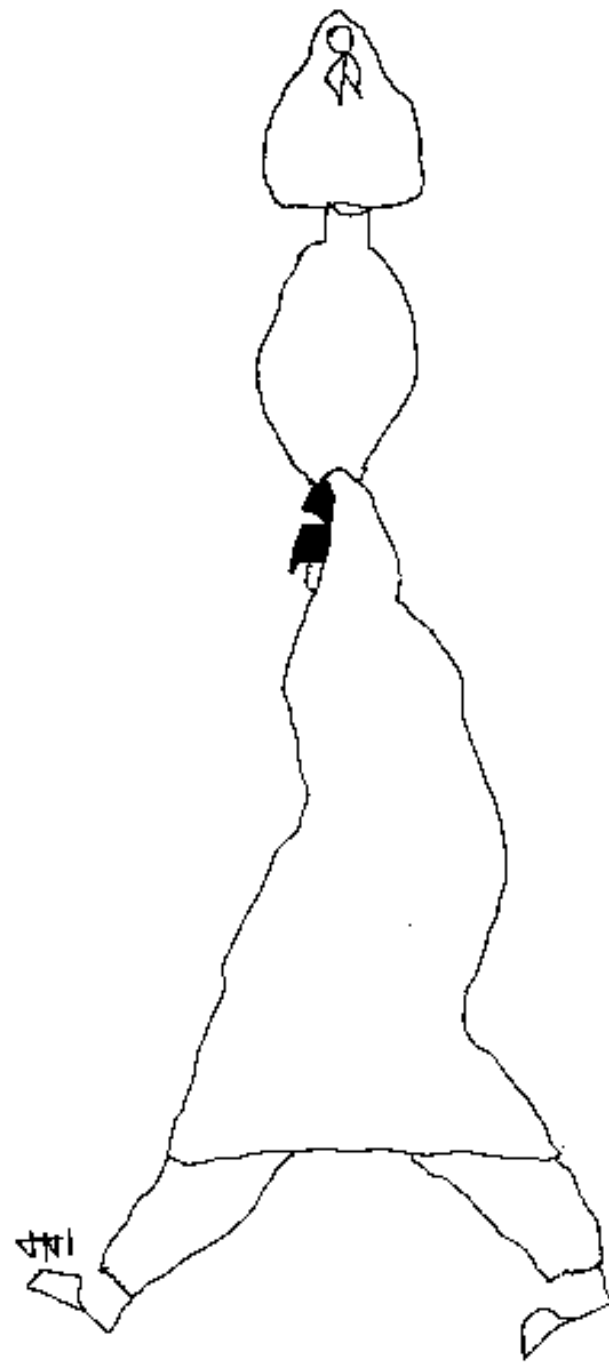
سوزن و سنجاق هم باشد.

و خاله جان آقا گفته که باید ماما گرد کانی را در بالای

گهواره بشکنند و در حین شکستن رو به طفل کرده بگوید که اگر صدایی

می شود، نترس. و اگر پدر و مادر نزاع کنند نرس و اگر سنگ و
کلاغ با هم صدا کنند نترس.

و دیگر زائو را وقتی که به حمام می برند گرد کانی را زانو باید
خود بشکنند و این خالی از قوه نیست و سه عدد پیاز یا پنج عدد در
وقت زائیدن یا خوابانیدن نزد او بگذارند و باید پیازها را به میخ
آهن بکشند و در روز حمام رفتن باید زائو پیازها را از سیخ برآورده
به آب روان اندازد. و دده بزم آرا گفته که مغز آن گرد کان را که
زائو به پای خود شکسته بخورد برای درد دندان بسیار نافع است
و بعد از آنکه به حمام بروند باید که در سر حمام سازنده حاضر
نمایند و چراغان کنند و اکثر این را مستحب می دانند و بعضی



واجب می دانند. باجی با سمن گفته که قاووت* نیز زائو باید بخورد
و کلثوم نه گفته که این قاووت باید از نخود و قند باشد و باجی
باسمن از چیز دیگر نیز تجویز کرده.

و بعد از آنکه زائو را از حمام بیرون آوردند باید که سفیدی
نخم مرغ را تمام بر آرند و نبات و دارچین و هل را سائیده بر
روی او پاشیده زائو از آن بخورد و بعضی هفت عدد گفته اند و تا
نه دانه هم گفته اند؛ و آن کسانی که با زائو هستند مستحب است که
هر کدام يك عدد یا بیشتر بخورند. و دده بزم آرا گفته که هرگاه
از شمع عروسی چیزی باقی مانده باشد در سر حمام سوزانیدن
مستحب است و جمعی گفته اند واجب است.

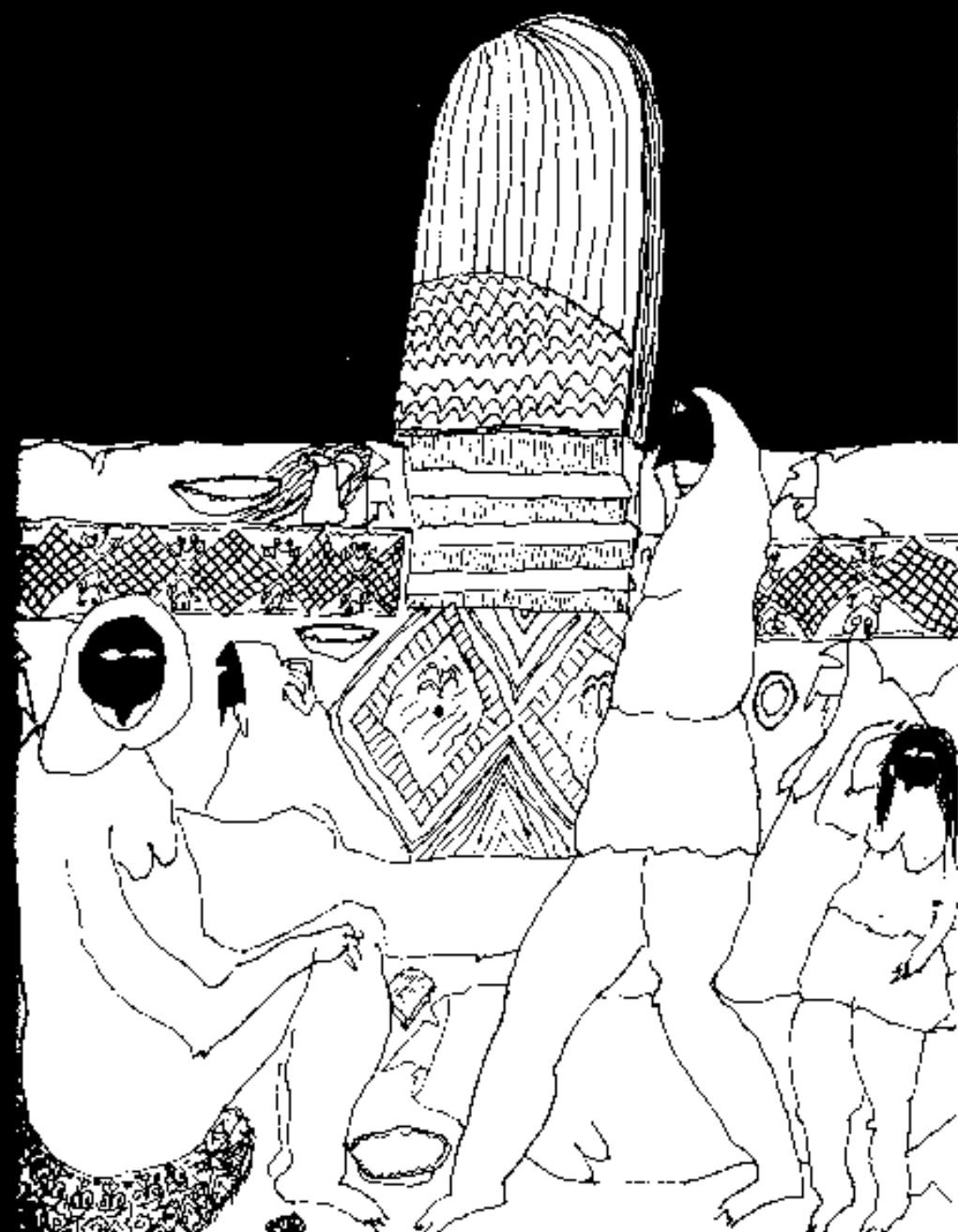
* مخلوط آرد حیوانات پوداده با شیرینی عسك ، نرمه آرد نخودچی
که با قند نرم مخلوط کنند.

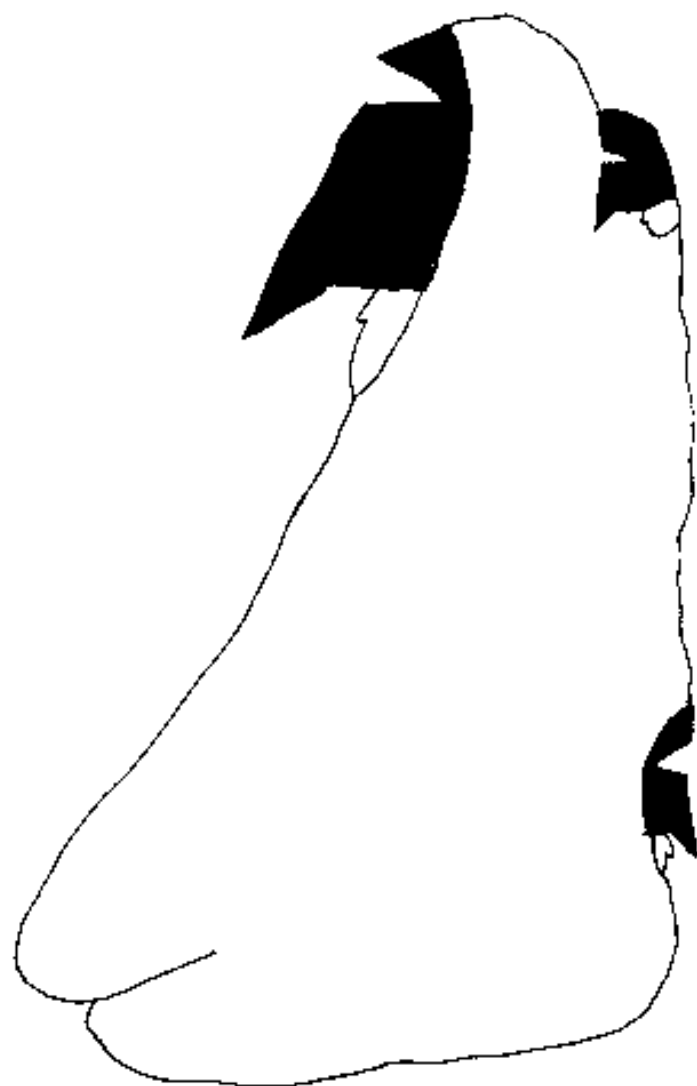
در بیان حمام رفتن

بدان که اکثر علمای زنان گویند که ستر عورت پیش، واجب نیست بلکه کشف آن واجب است؛ و جمعی را عقیده این است که باید دو طرف باز باشد. و باجی باسمن گفته اگر زن لنگ نو داشته باشد باید ببندد و در وقت صابون زدن خصوصاً نوره مالیدن باید لنگ بردارد. و پاره‌ای از علماء این امر را واجب و برخی مستحب می‌دانند، اجمالاً ترك نشود.

و دیگر در وقت نوره کشیدن باید زن ها دور هم حلقه زنند و کشف عورت نموده، مشغول شوند و اختلاط* نمایند. و کلتوم‌نه گوید باید حرفی که ما بین زن و شوهر ایشان گذشته بگویند. اما

• گفتگو کردن.





ماکولات که در حمام باید خورده شود : زردك و ترب را واجب دانسته اند ؛ و نحاله جان آقا گفته که خوردن ترشاله* در حمام از جهت رفع درد سرنافع است ، و باجی یاسمن گفته که خوردن کوکو و شامی و ماهی که از شب مانده باشد سنت مؤکد است و خیار خوردن را نیز تجویز کرده اند ، و برخی دیگر خوردن آلوچه و نارنج و خربزه و هندوانه را موجب ثواب می دانند .

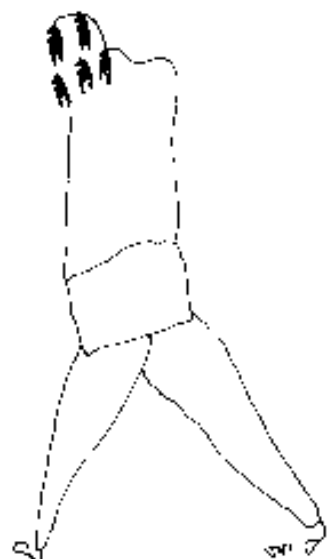
* هر خوردنی که ترش مزه باشد ؛ برگه زرد آلود خشك .

در بیان سازها و افعال آن ها

بدان که دایره زدن ثواب عظیم دارد خصوصاً چهل حلقه ،
و هر چه وسیع تر باشد ثوابش بیشتر است. و هیچ يك از علماء اختلاف
نکرده اند و واجب است که در هر خانه دایره بوده باشد و اگر نباشد،
کاشوم ننه گفته که در عوض در و پنجره و کرسی و سینی می توان
زد و اگر هیچك از این ها یافت نشود مردود دست را برهم زنند،
و این خالی از قوه نیست .

بدان که سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر که در اصطلاح
چهارشنبه سوری گویند واجب است زدن سازها، چون این دو روز
بلای بسیار از آسمان نازل می شود؛ به سبب زدن سازها رفع بلا
می شود. و در عروسی ها و عیده ها و خانبندان ها و در وقت آمدن

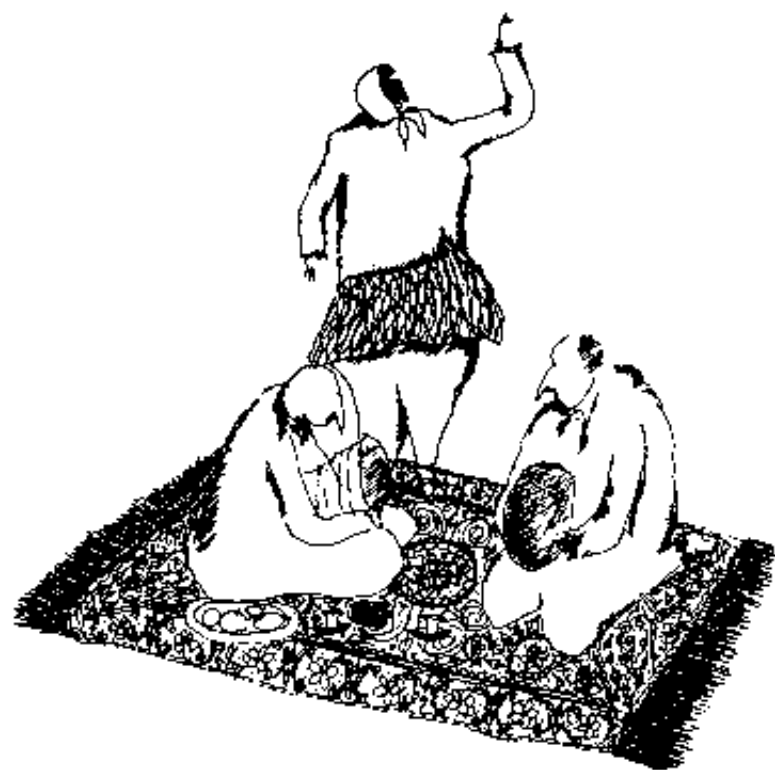




سفری* و متولد شدن فرزندان، در این اوقات زدن ساز واجب است. و در سایر اوقات مستحب است. در وقت آمدن نقاره چی واجب است که نقاره بزنند که بدون نقاره، شگون ندارد که نقاره چی از خانه بیرون رود. و خاله جان آقا گفته واجب است که همه زنان به در خانه روند و اگر زن در نماز باشد واجب است که قطع نماز کند. و باجی یاسمن گفته

• مسافر.



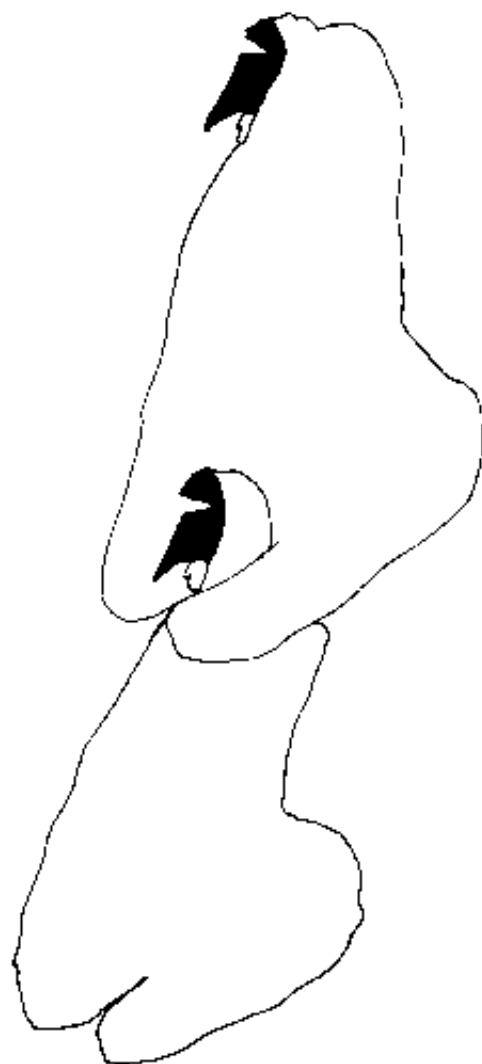


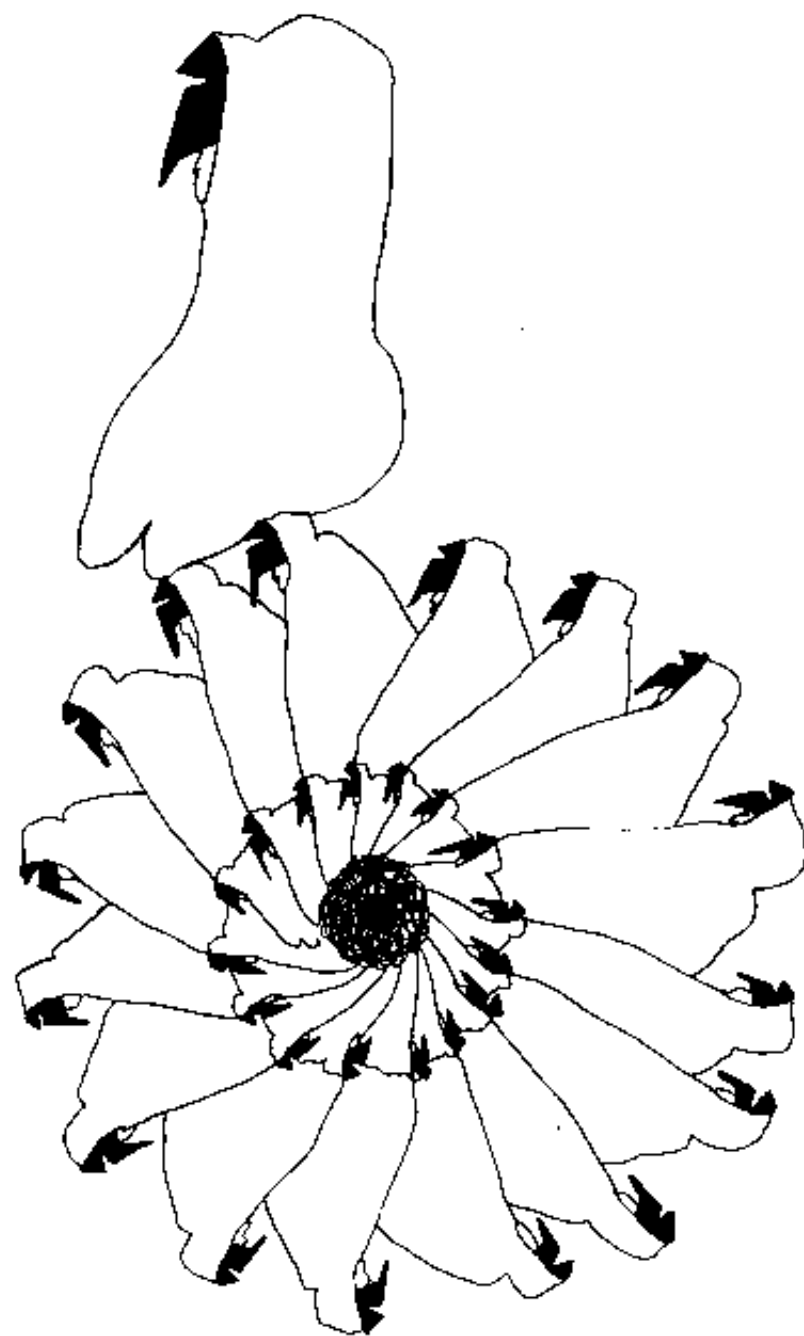
که باید زنان بر نقاره‌چی سلام کنند و این مستحب است. و اما گریختن از نقاره‌چی مذموم است به اعتقاد باجی یاسمن و دده بزم آرا، و این قول خالی از قوه نیست. کلثوم نه گفته که در وقت غروب آفتاب نقاره مستحب است که بکوبند، و باجی یاسمن واجب دانسته و این اجماعی علماست که هرگاه زنی ابتدا به کاری کرده باشد و صدای نقاره‌چی بشنود، بهشت بر او واجب گردد.

در بیان معاشرت زنان با شوهران خود

بدان که زن وقتی از شوهر راضی شود که زن دیگر نگیرد و در شب و روز با او صحبت بدارد و هر چه او را امر کند بزرودی انجام دهد و هر وقت از خانه بیرون رود چیزی از برای او خرید کند و بیاورد، و بی بی شاه زینب گفته که هرگاه زن از خانه بیرون رود، مرد منع نکند. و دده بزم آرا گفته است که باید پول به زنان داد به جهت آجیل ایشان، و هرگاه مرد ندهد، زن خرده دخیلی* کند گناهی نکرده است. و اجماعی علماست که عروس باید با مادر شوهر و خواهر شوهر و زن برادر شوهر که جاری یا - یاد - گویند، دشمنی نماید و همچنین آن ها و اگر در دل با هم دوست باشند،

* از سر خراج (خانه و ...) زدن و به جیب خود ریختن.





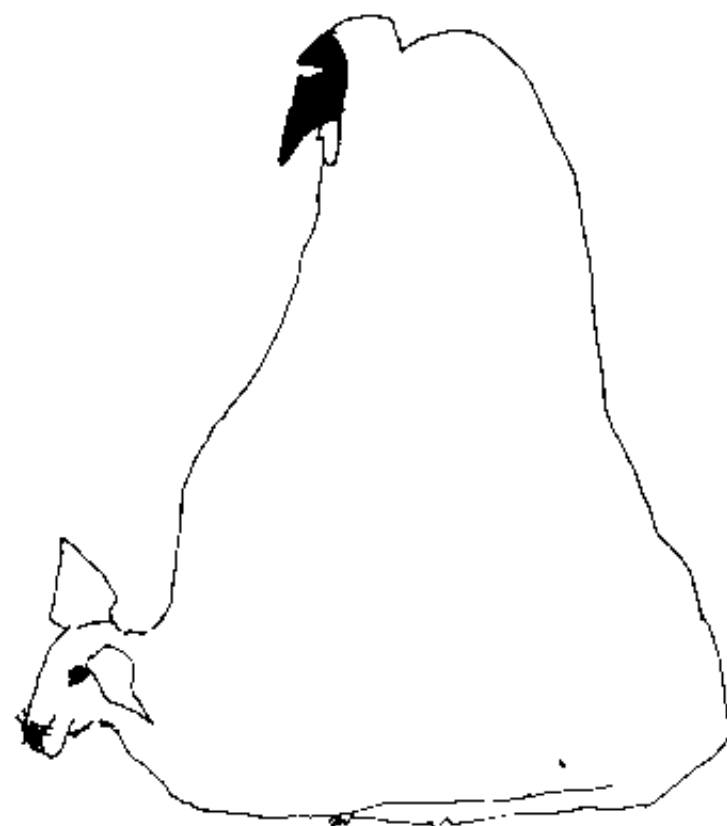
در ظاهر با هم دشمنی بکنند که از جمله واجبات است و بی‌بی‌شاه
زینب گفته که عروس باید هرچه مادر شوهر گوید برخلاف رفتار
نماید و مادر شوهر همیشه شکوه عروس را به پسر کند و زن باید
که هرچه بتواند اقتراباً به خواهر شوهر بدهد. و کلثوم نه گفته هرگاه
مابین آنها نزاع واقع شود باید که اعضای یکدیگر را به دندان
بگیرند و در نهایت شدت و غضب بکنند، خصوصاً گوشت فرج
یکدیگر را اگر بتوانند بگیرند بسیار ثواب دارد، و این را در لغت
زنان لقمه گویند. و نیز واجب است که اگر فرج زن صلمه خورده
است در وقت جماع به شوهر تفصیر را به گردن خواهرش گذارد
که با خواهرش کمتر محبت و مهربانی کند شاید به این سبب کمتر
به خانه او آید، و این قول قونی دارد.

در بیان مطبوخاتی که به نذر واجب می شود

اول سمنو* بدان که در وجه تسمیه سمنو اختلاف است ؛
بعضی شاه زینب و خاله جان آقا را اعتقاد آن است که وقتی سمنو
را وضع کرده اند، سی من آرد و يك من گندم بوده است و آن دو
نفر قاتلند سه منو است که از کثرت استعمال سمنو شده است چنانکه
در رساله جداگانه متن و حاشیه تصریح نموده اند.

کلثوم ننه گفته که سی من آرد و يك من گندم معلوم نیست
و این سمنو بدون وی واقع شده است. و وجه تسمیه آن آنست که
چون مصالح و اجزای آن سه چیز است که آن آرد و آب و گندم باشد؛

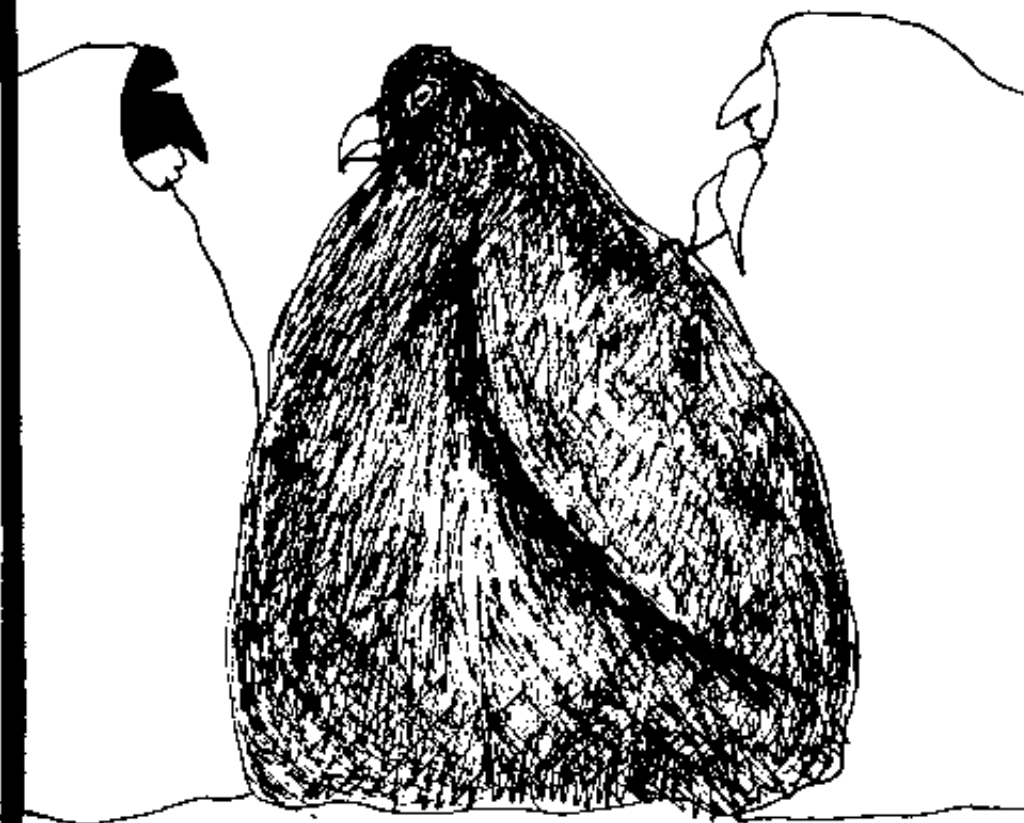
* نومی شیرینی که معمولا در هفت سین نوروز گذازند. و نیز به نذر آن
که پسر بزرایند یا بخت دخترشان باز شود؟ سمنو بار می کردند.



از این جهت سمنو گفته شده است . و بعضی بحث کرده اند که پنج چیز است و گردو و بادام نیز دارد و بعضی گفته اند دو چیز ، وقتی که واضح وضع کرده بود ندانسته بلکه در آخر تصرف کرده اند و ظاهراً این قول اصح است .

و جمیع علماء را اعتقاد آن است که از اعظام لذورات ، چهار چیز است : اول سمنو ، و در هروقت می شود پخت . دوم شله زرد* ، و آن را باید در ماه محرم پخت گرچه برخی عقیده به تعیین وقت ندارند و به اجماع علماء هروقت بخوانند توانند پخت . سوم حلوائ سوهان ، که از سمنو پخته می شود . و کلثوم ننه گفته که به بعضی می افتد خوب است و به بعضی نمی افتد بد است . چهارم آتش شله قلمکار** ، و آن نیز مشهور است و احتیاج به ذکر ندارد .

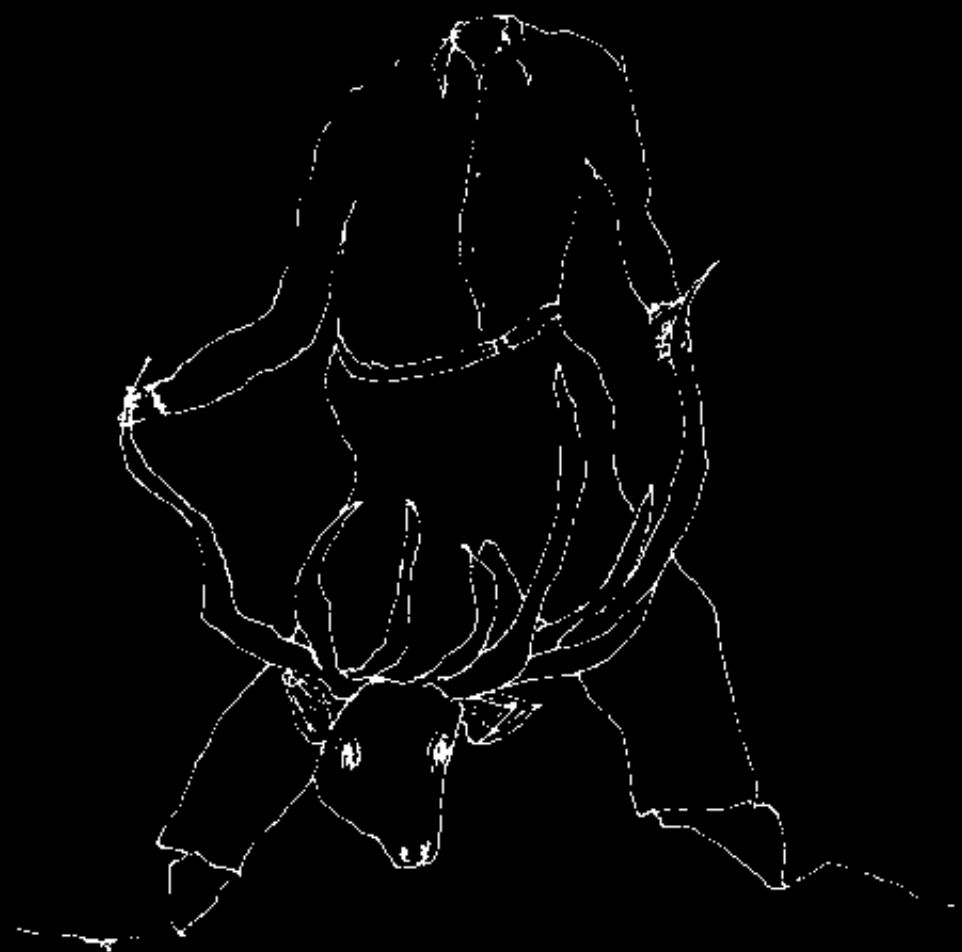
* نوعی غذا . برای تهیه آن از برنج ، روغن ، شکر ، مغز بادام ، زعفران و گلاب استفاده می شود .
 ** نوعی غذا . جهت تهیه آن از برنج ، عدس ، لوبیا ، نخود ، ماش ، پیاز ، گوشت و سبزی استفاده می گردد .

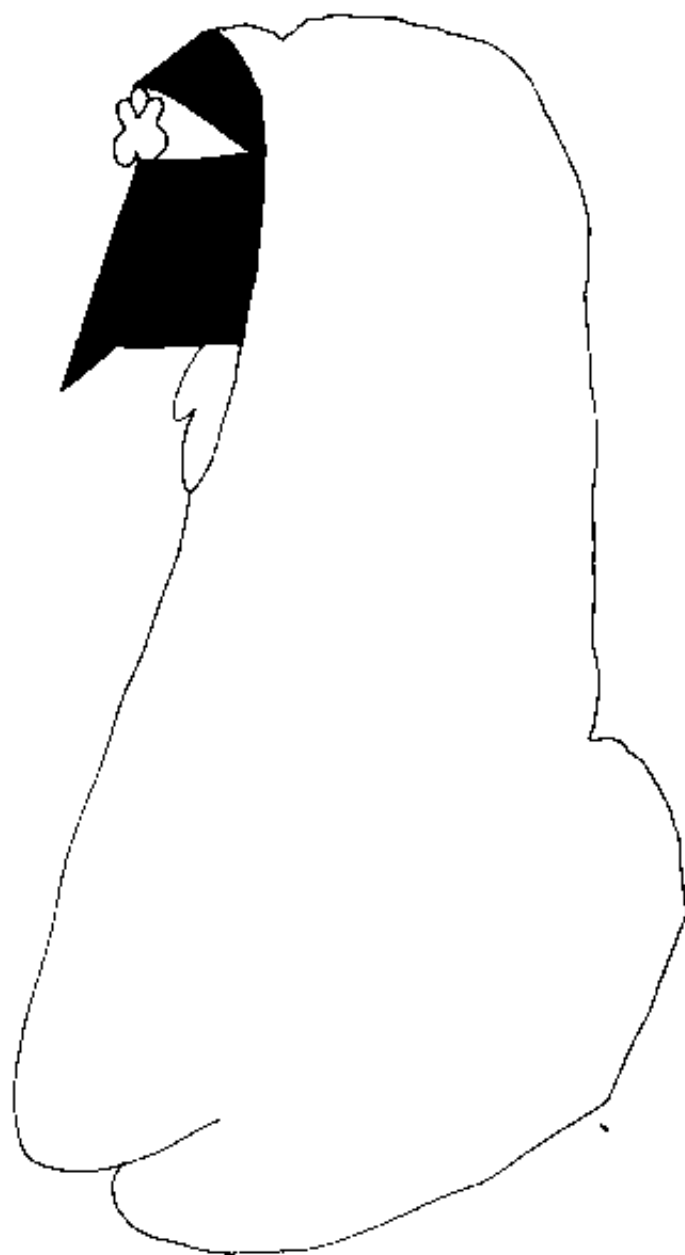


در بیان تعوید و چشم زخم

اول مهره های کبود که خوش رنگ باشد. دوم شاخ آهو. سوم ناخن بلنگ، و کثوم ننه گفته که آن شاخ باید به نقره گرفته شود. چهارم مهره سفید که آن را کس گربه* گویند به اصطلاح زنان؛ و این عظیم تر است. پنجم نفس حمار و به قول اصح باید کوچکتر باشد از خرمانخرک. و بعضی گفته اند که هر چه بزرگتر باشد بهتر است. ششم پارچه کبود که که به اتفاق جمیع علماء از جمله تعویذات جلیله است و خاله جان آقا گفته که باید پارچه کبود را در روز چهارشنبه پیش چشم بر بندد.

* سهره ای است که گویا از بقایای جانوران دریایی و نرم تنان به دست آید و آن را در جزه نظر قربانی برای جلوگیری از چشم زدن به کودکان می آویزند. فرهنگ لغات عامیانه - محمد علی جمالزاده.





هفتم بابا غوری که آن هم مهره است و این قول احوط است . و از این مقوله بسیار است که ذکر آن ها موجب تطویل کلام است . و بعضی بنیه چهل رنگ گفته اند ، و کثوم ننه گفته که این پارچه پنبه ای باید هر يك از جایی باشد و لازم است که از کسی گرفته باشند که داغ فرزند ندیده باشد و فرزندش مانده باشد ، و این قول قونی دارد . هشتم اسپند سوزاتیدن ، بهتر آن است که در غروب آفتاب باشد و اکثر علماء قائلند که باید شنبه خریده شود و این احوط است و بی بی شاه زینب گفته که هر گاه خواهند اثرش بیشتر باشد به درد کان عطاری روند و بگویند : اسپند داری ؟ چون گوید بلی از آنجا بگذرند و در جای دیگر رفته بگیرند و این احوط است .

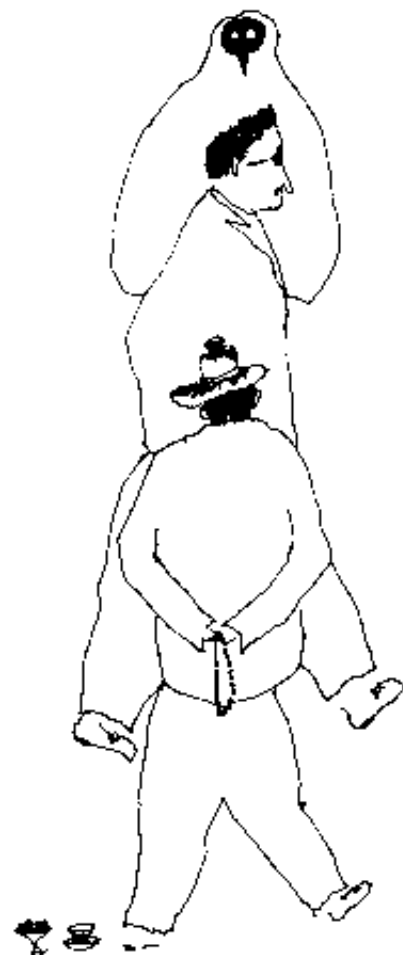


و آداب سوزانیدن اسپند آن است که اگر شب جمعه بسوزانند
 بهتر است به اعتبار این که تمام بیماری‌ها رفع می‌شود. و اگر بر کف پا
 بمالند برای هر علنی آن علت زایل گردد. و در وقت سوزانیدن بگویند:
 بترکد چشم حساد و حسود برافتد منافق و جهود. و بعد از آن اسم
 دشمنان خود را که دانند بگویند. و از سیاهی اسپند، بعد از آن که
 سوخته باشد، باید بر کف پا و دست و سرینی ایشان کشیده شود که
 تأثیر عظیم دارد.

در بیان اقسام محرم و نامحرم

کسانی که نامحرمند اول عمامه بسر، اگرچه کوچک و کمتر از پانزده سال داشته باشد، ولی عمامه هرچه بزرگتر باشد صاحب آن بیشتر نامحرم است. و طالبان علم، در هر لباسی باشند. دیگر علماء و پیش نمازان و خدام مساجد و روضه خوان و واعظ و تاجر و کسانی که به حج رفته باشند. دیگر مؤذن. و واجب است این چند طایفه اگر محرم نسبی هم هستند مانند شوهر یا پسر خود و عمو یا پسر برادر و پسر خواهر و دایی و حتی شوهر خود، زن از آنها بگریزد و اجتناب نماید و الا گناه کرده است.

اما آنان که محرمند؛ یهودی یراق فروش، سبزی فروش، زردک فروش، بزاز، پنبه عوض کن، طیب، رمال، دعانویس،



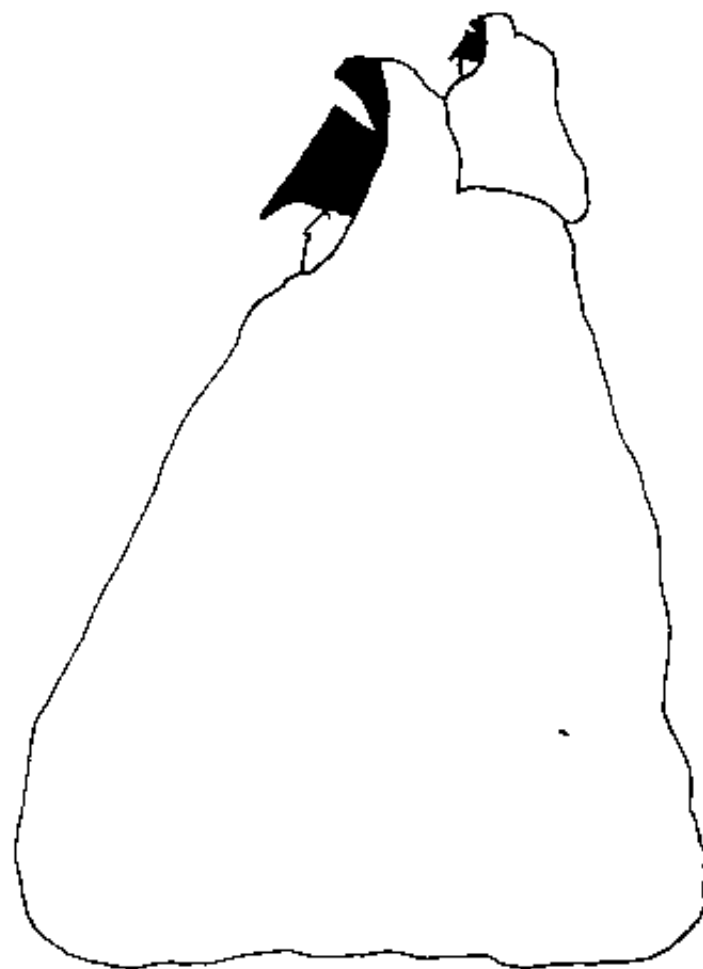


جادوگر، مطرب، نقاره‌چی، سرناچی، عمله، کلاه‌بسر، گلوبند
فروش. ودهه بزم آرا فرماید که اگر یهودی یراق فروش باشد و
اتفاقاً اود عانویش هم باشد، به اندازه‌ای محرم است که تا هم فیها
خالدون! واجتناب از اوفعل حرام وجزء گناهان کبیره می‌باشد بلکه
این‌مرد اگر به‌خانه وارد شود باید احترامات او را بجا و حاجتش
را برآورد.

در بیان استجابات دعای زنان

در چند وقت دعای ایشان مستجاب می شود:
اول در وقت زدن نقاره، هیچ دعایی رد نمی شود و این دعا
را بخوانند:

توكلوا على غير الله ان كنتم فاسقين وان تسمعون حرف الشيطان
فاسجدوا للبقره ان كنتم ساجدين و اوصيكم تترك الصورة و اكل الصوم
ان كنتم سامعين. و تشغلوا الضرب الدف و الدنبك ان كنتم عاقلين. اللهم
انني اسئلك بل سئلت غيرك ان يعقد لسان زوجي و زوجة اخيه و امه و ابيه
و اخته و مواليه، و ان يحفظني من شر جميع اعدائي سيما ما ذكر اسمهم
و ان يضيق اسافل اعضائي و ان يقذف محبتي في قلب زوجي و اذامات
يبلغني في ساعته و فاته. استجب دعائي بحق اعدائك النبلين البيعارين





دلاك تيغ مي زند و ذكر طفل را مي بردهيچ دعا رد نمي شود بخصوص
دعای دخترانی که هنوز شوهر نرفته باشند.

هفتم در شب زفاف بايد که دور هم بنشينند و حرف های شيرين
درميان آورند که باعث خشنودی مادر عروس شود. بعد دعا کنند که
مستجاب می شود.

هشتم وقت میوه بستن. بايد روزی که انگور يا خربزه می بندند
بگویند که خربزه گرفتيم برای خرجی خانه. آن خربزه و انگور را به
سلامت بخورند.

نهم وقت جا کردن آذوقه سالیانه است. بايد که آتش عدس
پزند که باعث تيرك است.

دهم وقت عقد بستن و وقت تولد فرزند.

البیکارین یا اسم السامعین.

دوم در وقت زدن هر ساز، خواه سرنا باشد و خواه کمانچه و
امثال این ها، و باجی یاسمن گفته که وقت سوتك زدن البته دعا
مستجاب است و این خالی از قوه نیست.

سوم در وقت باز کردن ديك حلیم و سمنو و آتش برگ و برگ
ریختن در ديوگه. و باجی یاسمن گفته که در وقت گندم ریختن نیز هيچ
دعا رد نمی شود.

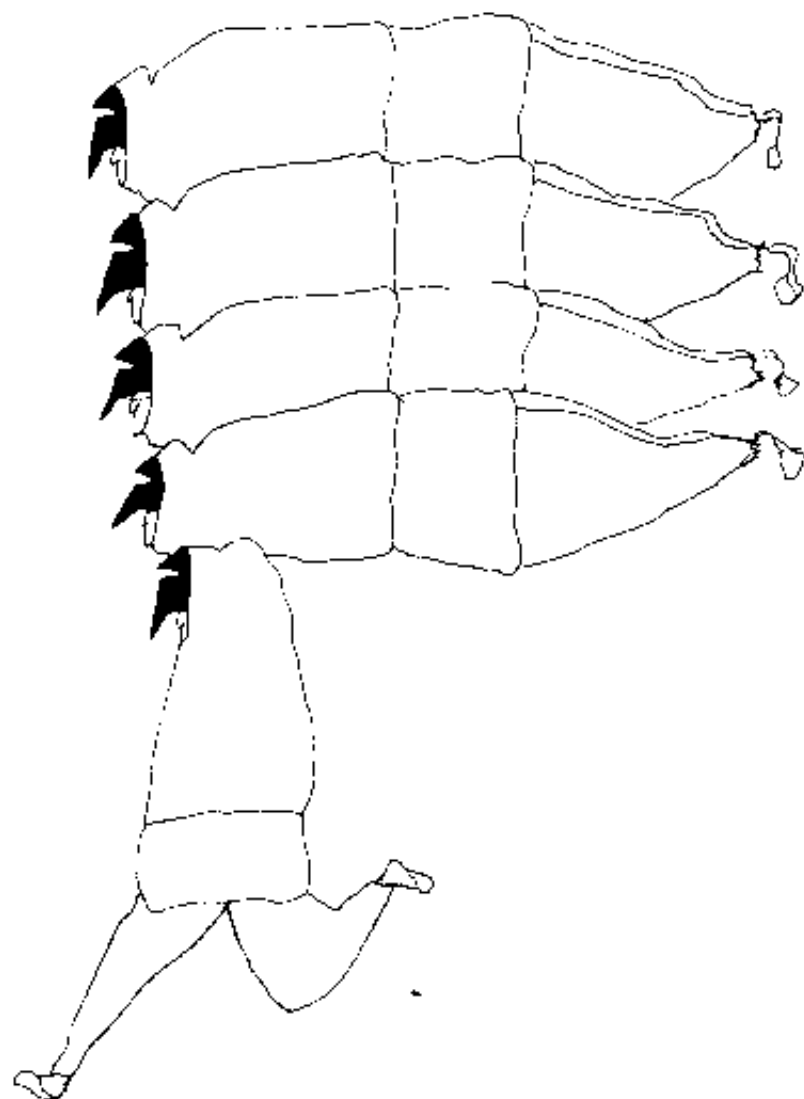
چهارم در وقت حنا بستن عروس، باجی یاسمن گفته و دده بزم-
آرا نیز قائل است که دعا رد ندارد.

پنجم وقت خواب رفتن.

ششم وقت ختنه کردن پسران. باجی یاسمن گفته که وقتی که

در بیان آمدن مهمان به خانه و بیرون رفتن و متعلقات آن

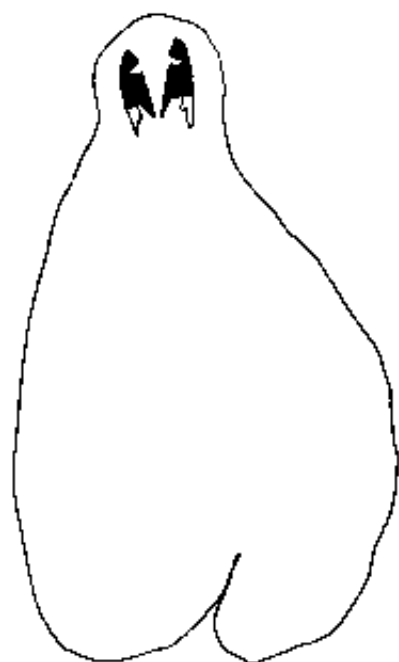
بدان که اجماع علماء بر این متفقند که در شب چهارشنبه نباید به خانه مهمان بر دو در شب جمعه نباید گذاشت که مهمان از خانه بیرون آید؛ زیرا که در شب چهارشنبه درد بد و آفت ها به خانه می آورد و در شب جمعه هرگاه بیرون رود برکت و رزق و ثواب بیرون می رود. و بی بی شاه زینب و ددیه بزم آرا را اعتقاد آن است که سابق بر این دستور چنین بوده اما مامسأله را چنین یافتیم که در شب یکشنبه مهمان به خانه نبرند و اگر در شب شنبه کسی مهمان شود شب یکشنبه را نماند و البته می رود و بعد بر می گردد. و مهمان تا سه روز اختیار با خودش می باشد و منت بر صاحب خانه ندارد و بعد از سه روز هر روز که می گذرد منت مهمان بر صاحب خانه است و مدت مهمان بودن از يك هفته





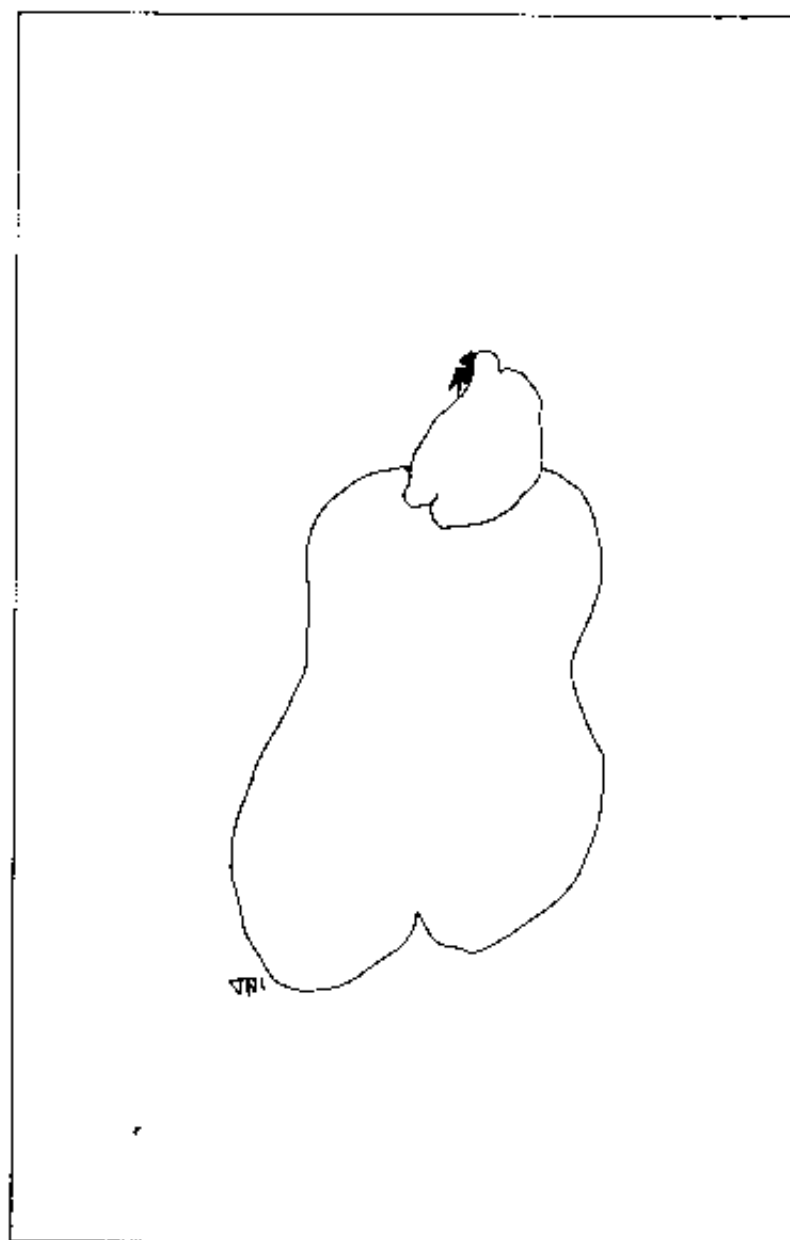
کمتر و از يك ماه بیشتر نیست و باید هر زنی که به مهمانی می رود تمام اطفال خود را همراه ببرد، حتی طفل شیرخواره و دایه اش را نیز ببرد و قول بعضی از علماء این است که هر گاه در شب چهارشنبه کسی به شب نشینی برود و نخواهد که برگردد، يك دانه سنجاق به زبان گیرد و به خانه میزبان به جای خود اندازد.

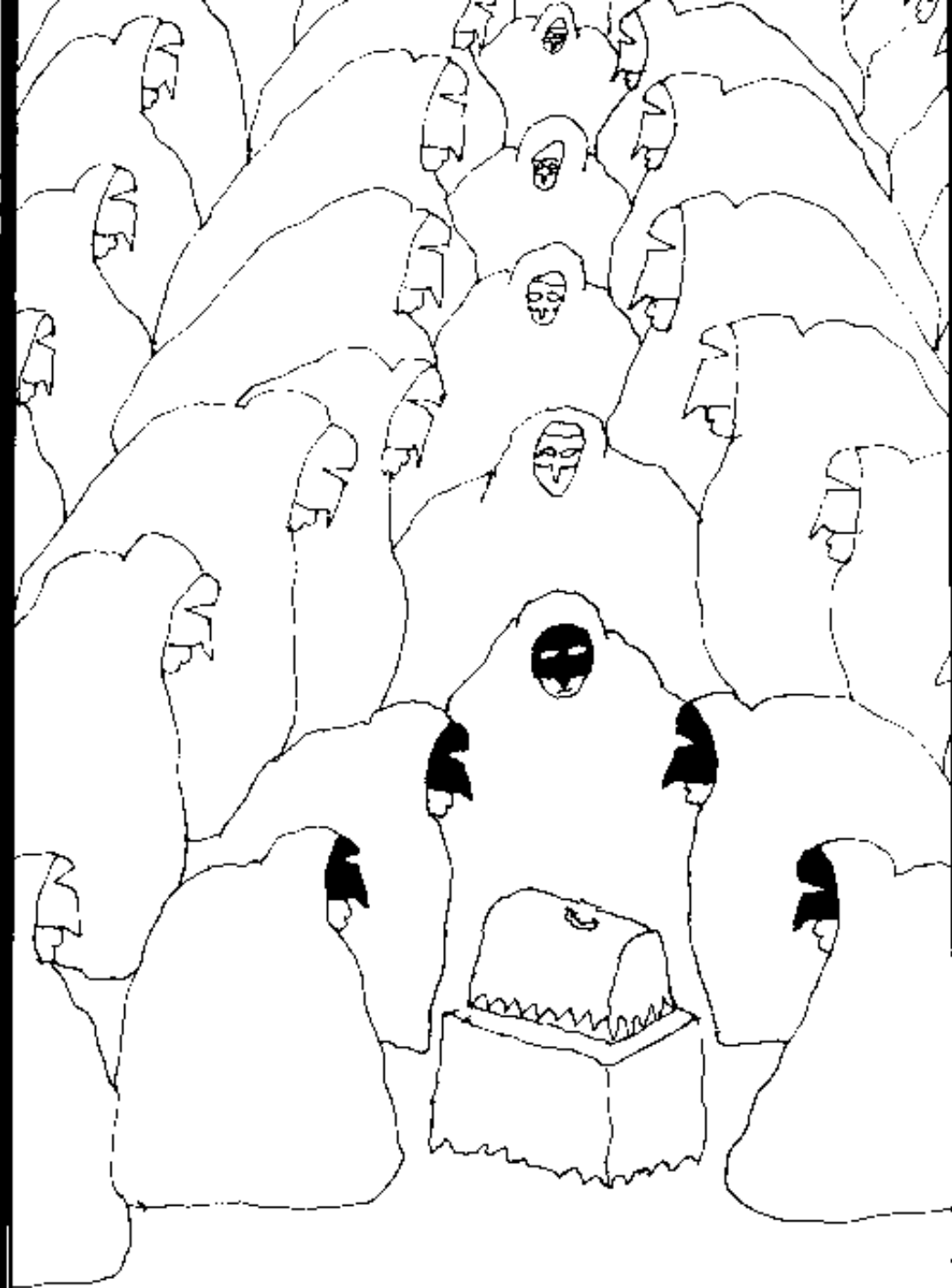
و در وقت چیز خوردن میهمان هر چند که سیر شده باشد ؛ بر میزبان واجب است که لقمه های بزرگ گرفته و به یاد هر يك از خویشان او که به خانه مانده اند و حاضر نیستند بدهد؛ و ایشان را در سفره یاد کند که جای فلان خالی است .



و بر مهمان واجب است که در وقت چیز خوردن به يك دهنه
چیز نخورد بلکه قدری بخورد و تأمل نماید و میزبان او را قسم دهد به جان
شوهر و فرزندان که چیز بخور و او مضایقه نماید و کم کم خورد.
و دیگر چون مهمان در جایی باشد و صاحب خانه با حلال خود
مقاربت کند بر مهمان واجب است که از صاحب خانه چیزی بگیرد
بخورد مثل حلویات و نبات و خشکبار و این را به اصطلاح زنان
سلطان حقی می گویند.

و بر میزبان واجب است که از برای مهمان خربزه و هندوانه و
انار و سیب یا حلویات بیاورد و چون مهمان به خانه خود رود





واجب است که جاخالی* بفرستد مثل هل و میخک و غیر آن و جاخالی را فردای آن شب بفرستد. و بی‌بی‌شاه زینب گفته که يك روز بعد از رفتن مهمان احوط است. و باجی‌باسمن گفته که در جاخالی فرستادن کوتاهی نکند که از گناهان کبیره است، و هر کس ترك نکند جاخالی فرستادن مهمان را، خداوند خیر و برکت به او می‌دهد. و اجماعی عمل است که عروس می‌ساله را هم باید جاخالی فرستاد.

* یا جاخالی یا، آنچه به رسم هدیه فرستند کسی را که از جای رفته است.

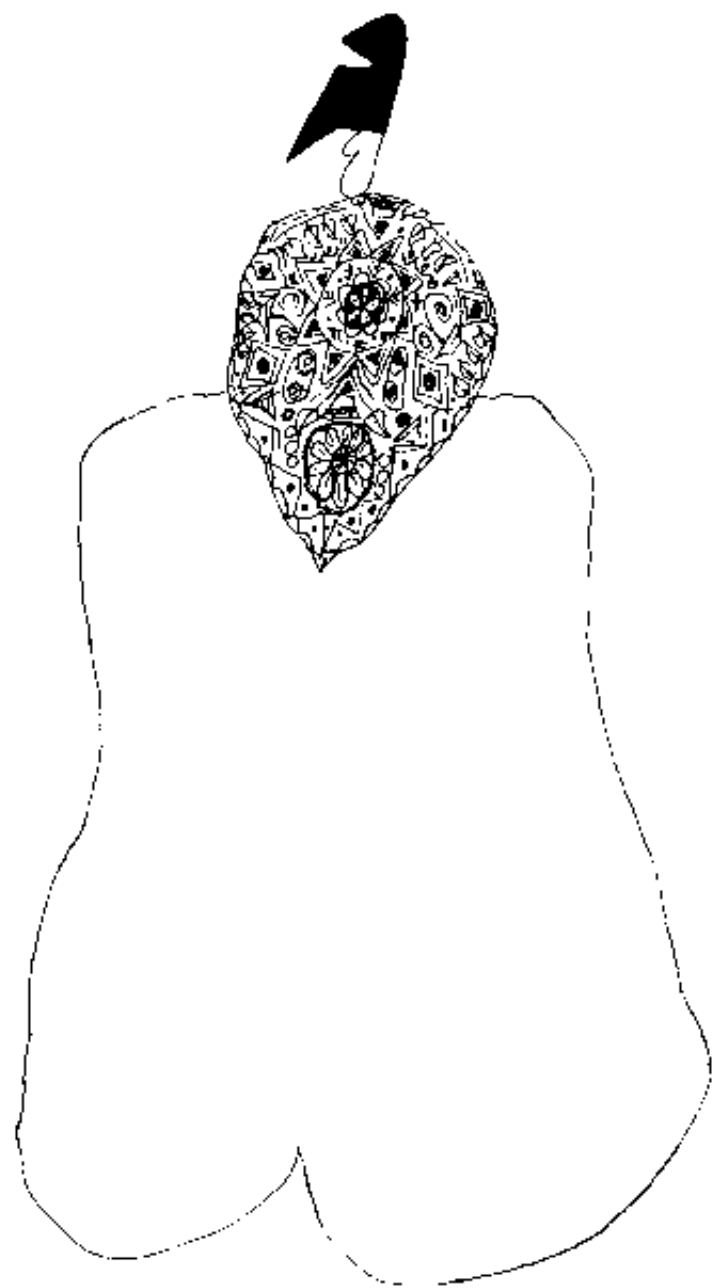
در بیان صیغه خواهر خواندگی

جميع علماء اتفاق دارند كه بايد زن خواهر خوانده‌ای* داشته باشد و اگر کسی بمبرد و خواهر خوانده نداشته باشد چگونه باید بهشت داشته باشد؛ و کسی که خواهر خوانده داشته و تمام اوقانش را صرف آن کند در قیامت برای او حساب نخواهد بود و او را بی حساب داخل بهشت کنند. و بی بی شاه زینب گفته که اگر عمداً ترك کند آثم و گناهکار خواهد بود و بر دین پهلوی و نصرانی خواهد مرد، و این قول نهایت قوت دارد.

در بیان روز صیغه خواهر خواندگی اجماعی علماست که این

* دختر یازنی که شخص او را به خواهری پذیرفته باشد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به «قایده انشاء» مسعود کتیرانی، صفحات ۳۹ - ۳۸.





امریاید روز عید غدیر واقع شود و در غیر این روز درست نیست و باید
در یکی از اما مزاده ها خوانده شود و زدن دایره در آن وقت واجب
است و نیز شربت باید بدهند ؛ و کیفیت خواهر خواندگی به فتوای
کلثوم ننه این است که یکی بگوید :

به حق شاه خیر گیر.

و دیگری بگوید :

خدایا مطلب ما را برآور و بپذیر.

و دیگران به نحو دیگر گفته اند و در این باب اختلافی دارند ،
اما این اقوی است و دستمال چند که باید خواهر خوانده ها داشته
باشند به اجماع علماء چهارده دستمال است :

اول دستمال غمه بند ، و طریق بستن آن این است که باید بر پیشانی
و دست راست بندد.

دوم دستمال عشوه بند ، و طریق بستن آن این است که بر یک طرف
سر کج بسته شود.



دهم دستمال حقه بند، و طریق بستن آن این است که باید بر ران، بر روی زیرجامه بندد.

یازدهم دستمال سرخاب پیچ.

دوازدهم دستمال آجیل بند، که باید در مهمانی‌ها داشته باشد به جهت ثقل بستن.

سیزدهم دستمال فرق بند.

چهاردهم دستمال مزه بند.

بدان که هرگاه دو زن بخواهند خواهر خوانده بشوند بدون دیدن یکدیگر، اول زن معتبری که باید نهایت اعتماد بر او داشته باشند که او را در اصطلاح پاسیز* گویند، و عروس چک از موم سازند و کلثوم نه گویند عروس چک در اصل عروس کوچک بوده که از کثرت

* سیاهی، دلال.

کلثوم نه ۱۱۳

سوم دستمال زلف بند، و طریق بستن آن این است که یک طرف پیشانی و یک طرف زلف را بگیرد.

چهارم دستمال یکه شاخ، که سر دستمال را به سر بند کرده و سر دیگرش را به دوش انداخته دارد.

پنجم دستمال چکی چکی، که باید در آن روز آن را از زیر ذقن* برده سرهای آن را پشت سر بند نماید.

ششم دستمال زنار بند، که باید آن را از پشت گردن در پیش سر کرده گره زنند.

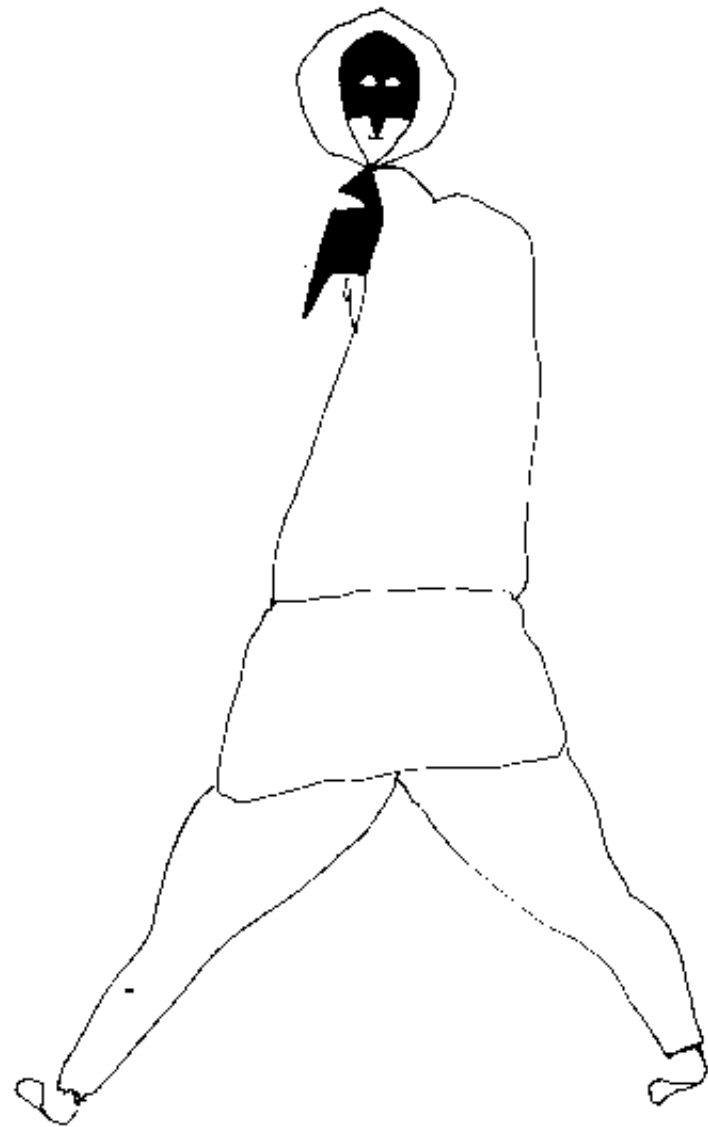
هفتم دستمال بال بند، که باید آن را روی بازو بندد.

هشتم دستمال داغ بند، که باید آن را مابین دست و مرفق** بندد.

نهم دستمال مکن مرگ ما، که باید آن را به پشت دست بندد به نحوی که انگشت بزرگ را نگیرد.

* چانه .
** آرنج .

۱۱۲ کلثوم نه



استعمال عروس چك شده و سایر علماء گفته اند این كاف كاف تصغیر
است مانند پسرک و دخترک و غلامک . و باید خوان پوشی در نهایت زینت
با يك خوان شیرینی درست کرده و عروس چك را بر روی خوان
نشانده از برای آن که می خواهد با او خواهر خوانده شود بفرستد.

و اگر آن کس خواهد که خواهر خوانده شود؛ باید يك کجك
نقره که آن را در اصطلاح زنان گلو بند نامند بر سر عروس چك
ببندازد و پاسباز را نیز خلعت دهد؛ و کثوم نه گفته لؤلؤ زربفت نیز
کافی است و بعضی گفته اند که رخت ساده نیز کفایت می کند و قول
اول اقوی است .

و هرگاه چنین رد و بدل شد معنی رضایت طرفین است و اگر
هم طرف نخواهد که خواهر خوانده شود چادر سیاه بر سر عروس چك
کرده پس می فرستد.

در بیان چیزهایی که
بعد از خواهرخواندگی
برای یکدیگر فرستند

و ذکر همه آن‌ها باعث طول کلام می‌شود، آن چه را علمای
خمس در آن اختلاف نداشته‌اند ما ذکر می‌کنیم و آن‌ها از این قرار
است :

هل درست، یعنی حلم دارم.

هل باز، یعنی هلاکم .

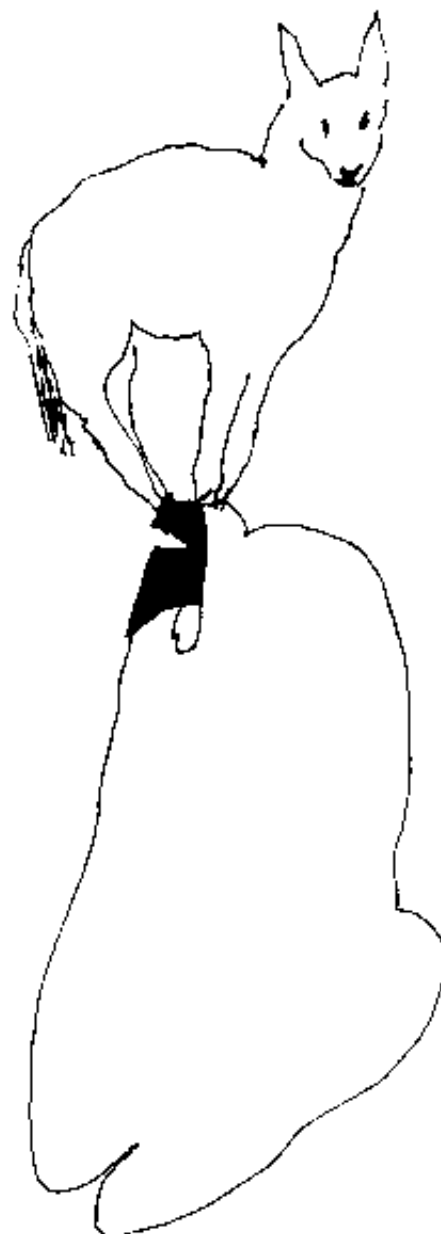
هل يك طرف پوست کنده، یعنی از حلم پاره پاره شدم.

میخك، یعنی کبابم .

دارچینی لوله، یعنی قربانت شوم .

دارچینی باز کرده، یعنی بیمارم، چکنم ؟

جوز درست، یعنی من از توام، هیچ غم مخور.





جنوز يك طرف سائیده، یعنی درد وضعف دارم، این را
مالیده‌ام توهم بمال.

تبات، یعنی در چشم من شیرینی.

صندل، یعنی همه وقت می‌بویست.

شیشه، یعنی دل من از دست تونازك شده است.

عناّب، یعنی:

عناّب لب لعل ترا قند توان گفت

چیزی که به جایی نرسد چند توان گفت.

زعفران، یعنی:

زردم کردی چو زعفران سوده

تا چند خورم غم ترا پیهوده.

انچوچك*، یعنی لعنت بر تو.

* یا انچكك، درختی که در ایران در جنگل‌های خشك فارس و کوه‌های
پختیاری و لرستان وجود دارد. دانه آن شبیه به دانه‌امرو و مغز آن سفید است و
آن را خورند.





فندق شور تکرده، یعنی غم ترا خورده و می خورم.

فندق شور، یعنی سراپا داغ ترا به دل دارم.

فندق سرداغ کرده، یعنی آتش بر سرم افتاده است در طلب تو.

فندق کون پهلو داغ، یعنی چنان که آتشم بر دل زدی آتش

بر کونت بیفتد.

بادام پوست کنده، در این باب نیزیتی گفته اند:

بادام سپید سر بر آورده ز پوست

عالم خبر است من ترا دارم دوست.

کاه، نیزیتی گفته اند:

تکیه بر دیوار دارم همچو کاه از دست تو

بر درو دیوار بنویسم که آه از دست تو.

کلثوم ننه ۱۲۰

تیر و کمان که می سازند هم نظمی گفته اند:

عاشق کردی مرا به بازی بازی

استاد شدی تو و کمان می سازی

خواهی که بیک شست دوتیر اندازی

من نردنیم به ششدم اندازی.

زغال، یعنی دشمن روسیاه شود.

موم، یعنی از غمت مثل موم شدم.

کاغذ سرخ، کلثوم ننه گفته:

برایت می نویسم نامه ای از بس که خون گریم

تو گویی کاغذ مکتوب من رنگ حنا دارد.

کاغذ زرد، نیز گفته اند: این زردی رنگ از فراق نوشده.

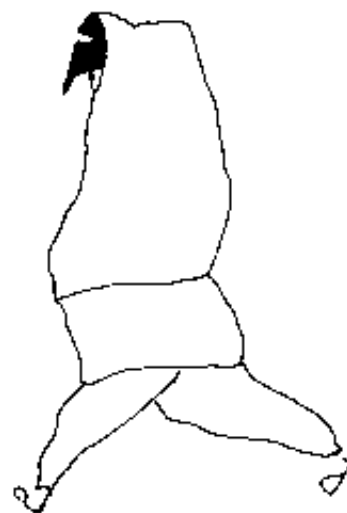
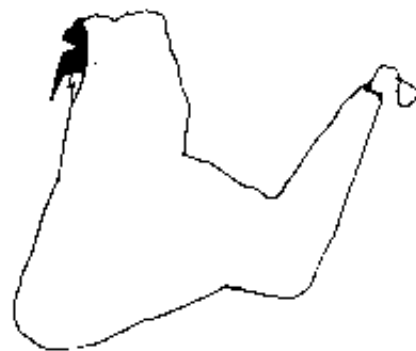
مرد نیز از برای زن به اعتقاد کلثوم ننه اگر تنگ طلا بفرستد

این معنی را دارد: بیت:

تو که از تنگ طلا می می خوری،

سر سرنای مرا کی می خوری.

کلثوم ننه ۱۲۱



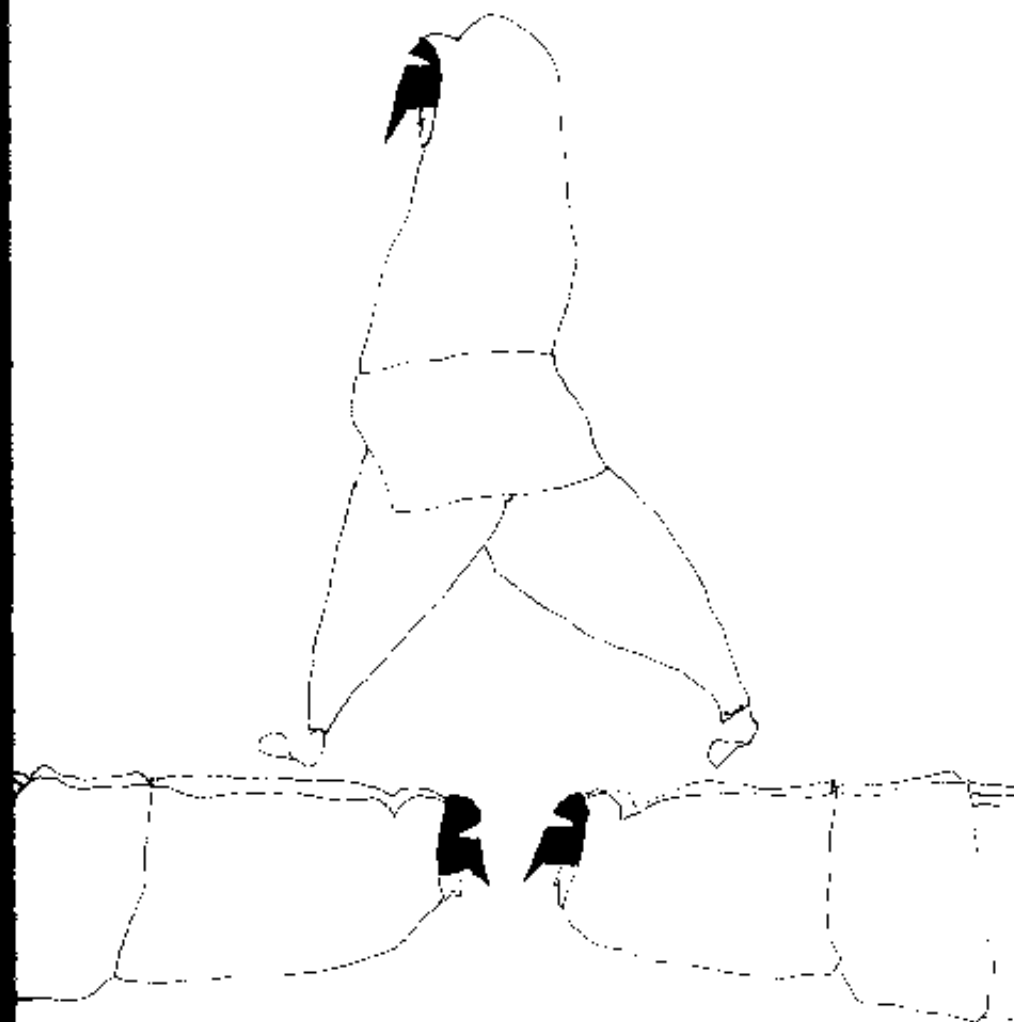
خاتمه

در بیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کثیر المنفعه

اجماعی علماست که در شب چهارشنبه سوری باید ظرفی
مانند سب و کوزه را پر از آب کرده ، وقت غروب آفتاب از بام به
کوچه اندازند که رفع بلامی کند. کلثوم نه گفته که در وقت بردن ظرف
به عقب نگاه نکنند که بلا برمی گردد. و بعد قدری آتش روی آن ریزند
و بعد مقدار کمی پول سیاه پائین اندازند و آن پول باید باشد نافقیر
بردارد. و باجی با سمن گفته که در روز عید بابا شجاع الدین ، چنگال*

* یا چنگالی ، نان گرمی که با روغن و شیرینی دو یکدیگر مالیده باشند.

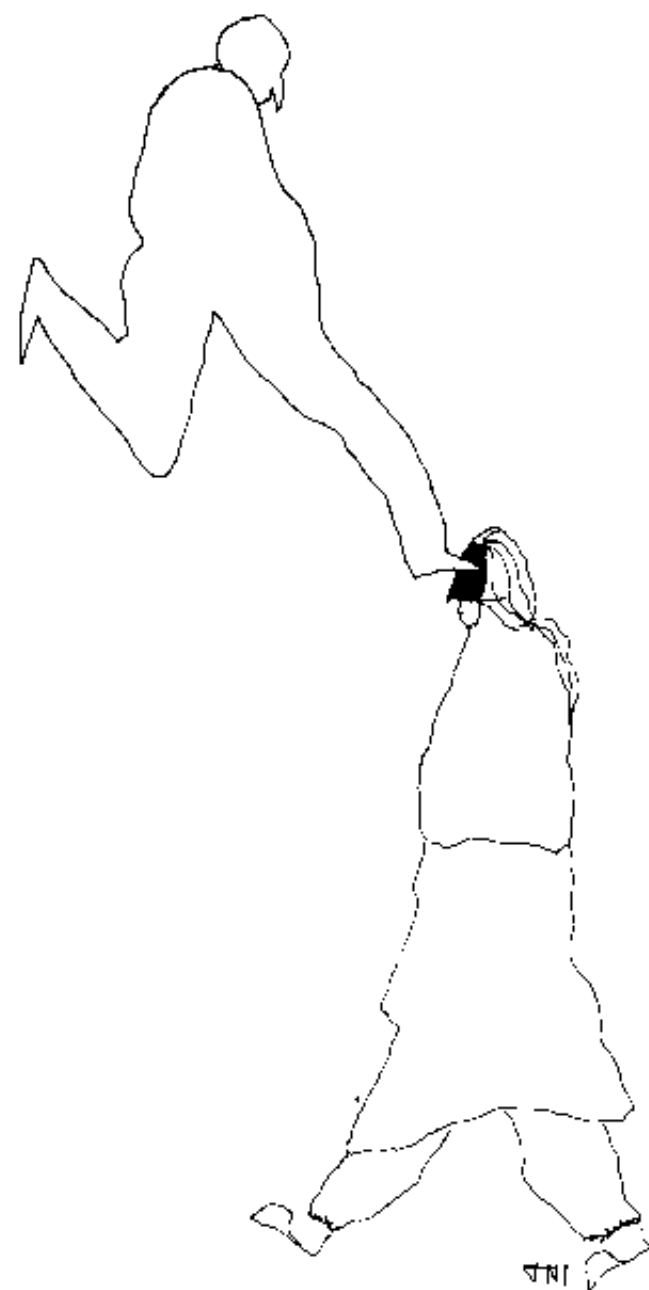
خوردن ثواب عظیم دارد، و اگر روز سه شنبه یا چهارشنبه یا جمعه
 اول ماه واقع شود، هر که در آن ماه بمیرد باید يك لنگه كفش
 خودش را با او در قبر گذارند که در آن ماه کسی از اقوامش بمیرد.
 دیگر از ضروریات که از جهت زود برآمدن مطلب است، دوازده
 فتیله را در بیست و هفتم ماه رمضان باید روشن نمایند. خاله جان آقا
 گفته که اگر خروسی در غیر وقت بخواند باید او را کشت زیرا
 که اگر او را نکشند صاحبش می میرد و این قول خالی از قوه نیست.
 واجتماعی علماست و واجب است زنان را که در کوچه ها



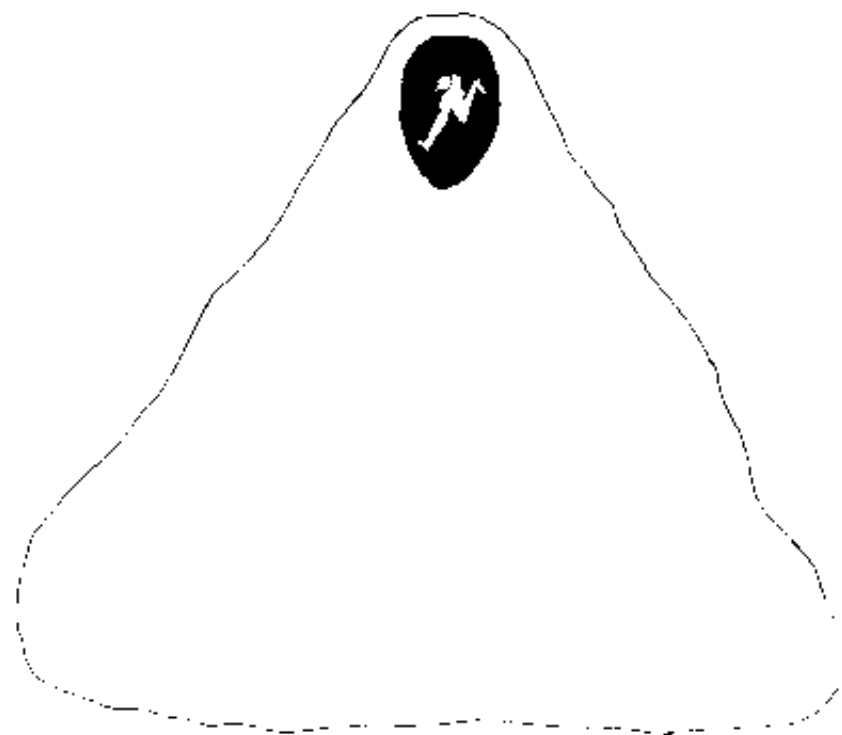
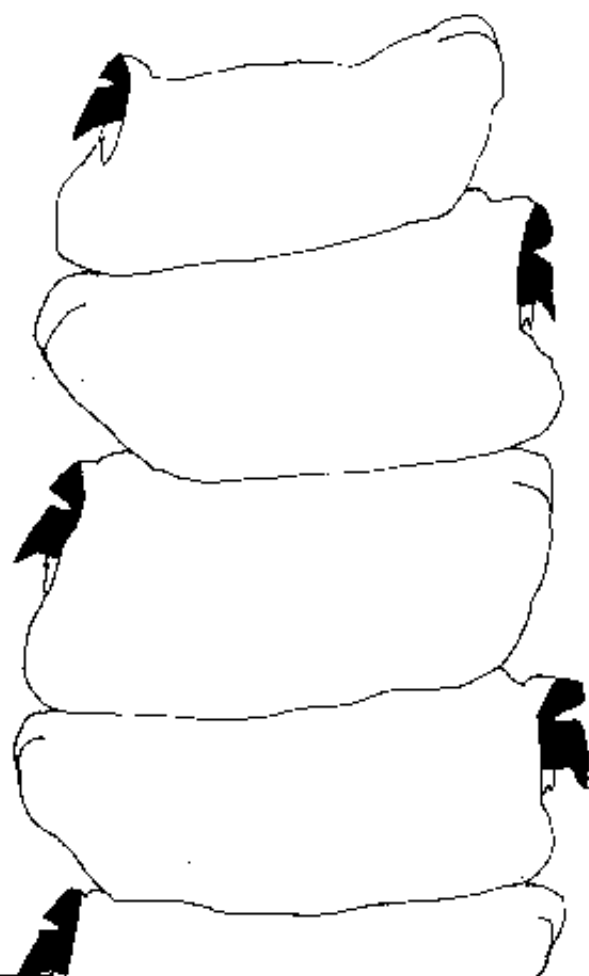


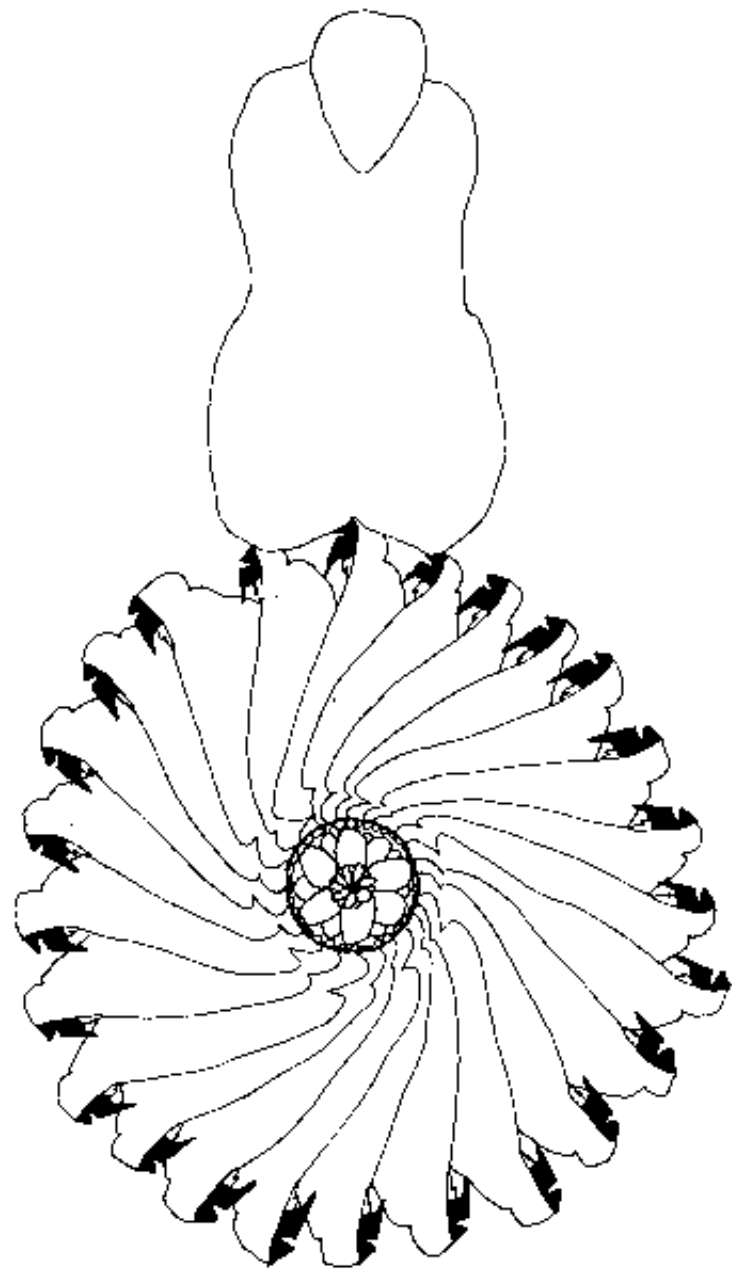
و بازارها هر جا که تعزیه باشد بروند بلکه گفته اند وای به حال زنی که تعزیه تباک فرسخی باشد و او نرود. و اگر زن حامله در تعزیه و یا روضه وضع حملش شود قدم آن فرزند مبارک است و نام او را رمضان باید گذاشت. دده بزم آرا گفته هر گاه زنی بخواهد فال بگیرد، در شب چهارشنبه بر سر راه بتشیند کلید دودندانه را بر زمین گذارد و هر مطلب که خواهد نیت کند به حرف کسی که از آن جا عبور می نماید، و نتیجه را از حرف او معلوم کند.

و اگر مهمان آید، در همان ساعت که وارد می شود، آرد برنج



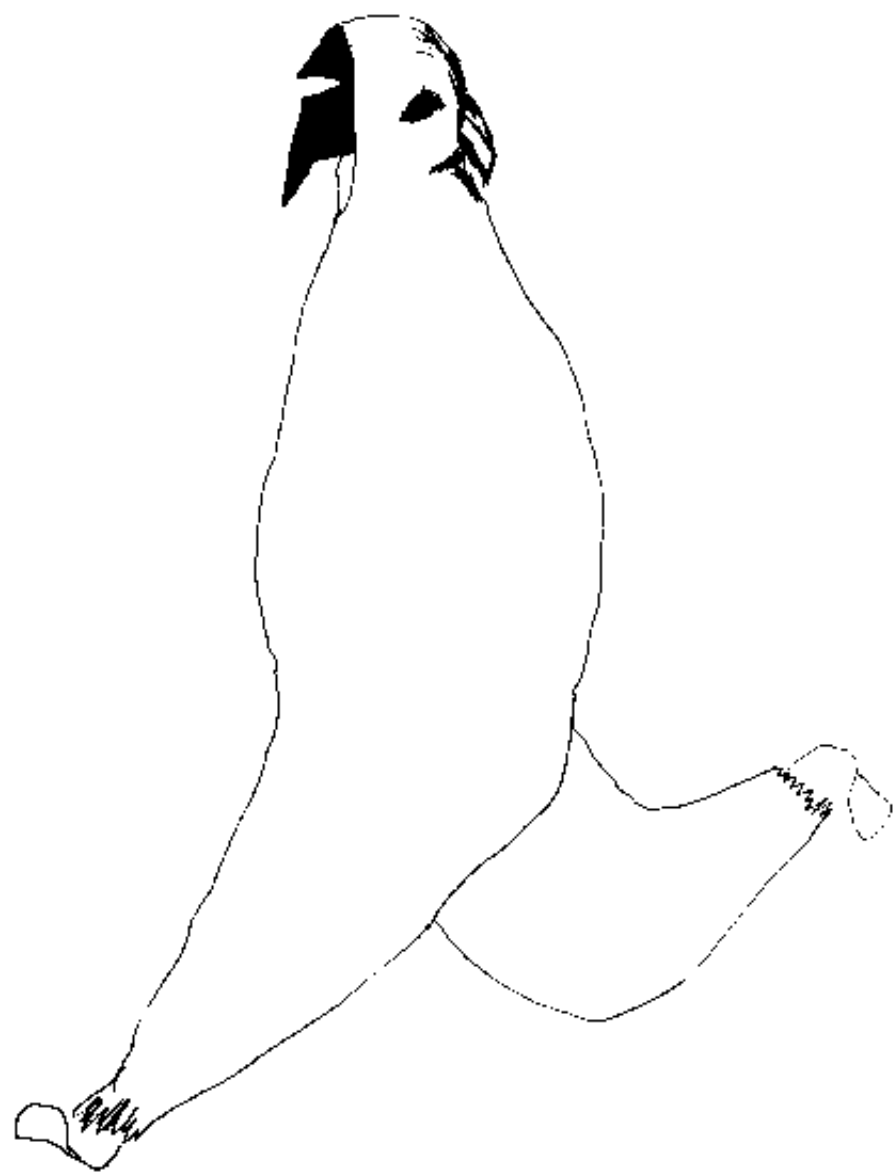
حلو اکتد و به مهمان بدهد؛ و بی بی شاه زینب گفته که بر پشت بام بر آید
و فریاد کند که مهمان عزیز آمده چه خوردش بدهم؟ هر چه گویند
بدهد که بسیار مجرب است. چنان که میان زنان مشهور است که
کسی فریاد زد که کیر خر، آن را به بیمار داد در حال صحت یافت.
و دیگر جاروب کردن خانه؛ تا مهمان در خانه است جاروب
کردن حرام است، و در شب و روز سه شنبه و چهارشنبه هم جاروب
کردن فعل حرام است. و کلثوم ننه گفته که باید سه روز از ایام هفته
جاروب نکند که در آن سال مورچه به اطاق و خانه می افتد.





باجی یاسمن گفته که بر هر زنی واجب است که هفته ای يك مرتبه
 و اگر ممکن نشود ماهی يك مرتبه و اگر باز هم استطاعت نداشته باشد
 سالی يك مرتبه سمنویزد و اگر کسی ترك کند، مرتد* و اگر العیاذ بالله
 کسی در این امر عقیده مستی داشته باشد در حکم کفر و تأملی نیست
 و وارد شده: اترجو رحمة الله امرأة تاركة الطبخ السمنو و کان لها
 استطاعة طبخه ، فلافلاح لها فی الدارین الی يوم القيمة ؛ و نیز دیگر
 احادیث در این باب بسیار دیده شده اما به همین مختصراً اکتفاء شد.
 باجی یاسمن و خاله جان آقا گفته اند ، سایرین هم اختلاف
 ندارند که اگر زنی فندق سمنورا با خود دارد، ایمن شود از جمیع
 بلاها. و انچوچك را باید به دست بشکنند ؛ برخلاف تخم خریزه که

* آن که از دین حقیقی صرغود برگشته باشد.



باید به دندان بشکند. و در وقت تخمه خوردن باید تعارف یکدیگر کنند و اگر تخمه را با نخود خام بکوبند و بخورند ثواب عظیم دارد و مغز گردو را با مویز بخورد. و همچنین آتش را با قاشق و پلورا با پنجه و هندوانه و خریزه را با دندان و ترب را با نمک و عسل را با روغن و سیر را با ماست و یخنی* را با ترشی و کشک را با نعنا و زردک را پخته بخورد.

نمک

* گوشت پخته شده گرم و سرد. نمک خوراکی شبیه آبگوشت و آن را از گوشت های چرب سازند. قدیم در تهران پختن و خوردن یخنی رواج داشت و در سر هر گذر دکان های یخنی پزی دیده میشد.

